



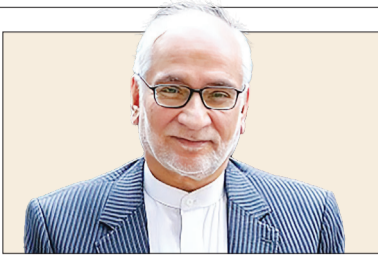
خدا حافظی با جوف
درخواست از بایدن برای کناره گیری از انتخابات



قهر هنرمندان با صندوق
غیبت سینماگران در انتخابات



اولین قدم پیروزی
تحلیل تقی آزادارمکی از انتخابات



برای مرحله دوم چه باید کرد؟

سیدحسین مرعشی
دبیرکل حزب کارگزاران سازندگی ایران
به تحلیل مرحله اول انتخابات پرداخت

سیدحسین مرعشی، دبیرکل حزب کارگزاران سازندگی ایران با تاکید بر اینکه پزشکيان در مرحله اول درخشش فوق العاده ای داشت، گفت: ملت ایران متوجه نیاز امروز کشور به استقرار یک دولت ملی و فراگیر و دوری از تنگ نظری و تدروی هست. ملت ایران ان شاء الله آینده خودشان را با رای قاطع به جناب آقای پزشکيان رقم خواهند زد؛ که ایشان هم متعهد به تشکیل یک دولت فراگیر و ملی هستند. پیروزی بسیار نزدیک است و گام آخر را همه با هم با استواری برمی داریم. گفت و گوی مرعشی با خبرنگاری جماران را در ادامه می خوانید:

● تحلیل شما از نتایج دور اول چهاردهمین انتخابات رئیس جمهوری چیست؟

بسیار خوشحال هستم که جناب آقای دکتر پزشکيان در مرحله اول درخشش فوق العاده ای داشتند و با حدود یک میلیون تفاوت، وارد مرحله دوم می شود. برای مرحله دوم یک ائتلاف بزرگ از اصولگرایان میانه و کل اصلاح طلبان ایران که در مرحله اول هم حامی آقای دکتر پزشکيان بودند، شکل گرفته و این ائتلاف در کنار به میدان آمدن بخشی از آراء خاموش، سرنوشت انتخابات را با شکوه زیاد به نفع آقای پزشکيان رقم خواهد زد. من ضمن تشکر از تمام دوستان ستادی در سراسر کشور که همت والایی داشتند و در یک فرصت کوتاه این بسیج عمومی را انجام دادند، انتظار دارم که با تکیه بر این ائتلاف جدید و با نشاط سیاسی والا، گام آخر را با استواری بردارند.

● یعنی شما پیش بینی می کنید که ستاد آقای قالیباف و اصولگرایان میانه به سمت حمایت از آقای پزشکيان می آیند؟ من نمی خواهم این را بگویم. آقای قالیباف معذورت هائی دارد؛ بالاخره رئیس مجلسی است که اکثریت با تدروهاست و نمی تواند این کار را بکند. اصولگرایان میانه یک طیف وسیعی است. ملت ایران متوجه نیاز امروز کشور به استقرار یک دولت ملی و فراگیر و دوری از تنگ نظری و تدروی هست. ملت ایران ان شاء الله آینده خودشان را با رای قاطع به جناب آقای پزشکيان رقم خواهند زد؛ که ایشان هم متعهد به تشکیل یک دولت فراگیر و ملی هستند. پیروزی بسیار نزدیک است و گام آخر را همه با هم با استواری برمی داریم.

● در مرحله اول یک نگرانی وجود داشت در این زمینه که اگر انتخابات به دور دوم برود، رای شکسته شده اصولگرایان منسجم می شود و این به ضرر آقای پزشکيان است. نظر شما در این خصوص چیست؟

اختلاف نظری که امروز بین رای دهندگان به آقای قالیباف با آقای جلیلی وجود دارد از شکاف بین اصلاح طلبان و آقای جلیلی بسیار عمیق تر است. ضمن احترامی که به آقای جلیلی قائل هستیم، آقای جلیلی قادر نبوده و نخواهد بود که حتی بتواند اصولگرایان را نمایندگی کند. در واقع اگر آقای جلیلی قادر بود اصولگرایان را نمایندگی کند، می توانست در مرحله اول این کار را بکند. وقتی کسی در مرحله اول نتوانست این ائتلاف را به وجود بیاورد حتماً در مرحله دوم بسیار ضعیف تر ظاهر خواهد شد.

● چه توصیه ای دارید به آراء خاکستری که به هر دلیلی در دور اول انتخابات به میدان نیامدند؟ چطور می توان اینها را قانع به مشارکت در انتخابات کرد؟

اساساً جمعی از رای دهندگان امید نداشتند که بشود تغییری در کشور به وجود آورد. رای مرحله اول و تفاوت معنی دار بین آراء آقای پزشکيان و آقای جلیلی به گونه ای است که کسانی که در مرحله اول وارد انتخابات نشدند با یک رای بسیار تعیین کننده در جمعه آینده می توانند رفتن کشور به سمت مسیر میانه روی، خردورزی، عقلانیت و استقرار یک دولت فراگیر و ملی را کمک کنند.

● برخی معتقدند که آقای پزشکيان باید راهی که رقیب در پیش گرفته، یعنی ترساندن مردم را طی یک هفته آینده در پیش بگیرد. یعنی به مردم گفته شود که اگر به آقای پزشکيان رای ندهید، تدروها بر سر کار می آیند. نظر شما در این خصوص چیست؟

الان صحنه انتخابات کاملاً شفاف شده و تفاوت های معنی دار بین آقای پزشکيان و آقای جلیلی کاملاً آشکار است. با توجه به روندی که در انتخابات آمریکا وجود دارد و احتمال روی کار آمدن ترامپ جدی تر شده، مردم ایران فرصت دارند، ایران را به حاشیه امن هدایت کنند.

چه خواهد شد؟

انتخابات ریاست جمهوری با مشارکت ۴۰ درصدی مردم به مرحله دوم رفت
جمعه ۱۵ تیر، مسعود پزشکيان و سعید جلیلی با هم رقابت می کنند



مسعود پزشکيان

در یک پیام ویدئویی اعلام کرد:

باید طرحی نو در اندازیم

و یک بار دیگر برخیزیم و

کشورمان را از دروغ، فقر،

تبعیض و بی عدالتی

نجات دهیم

سعید جلیلی

هیچ پیامی پس از اعلام نتایج

صادر نکرد

رهنمود

رهبر انقلاب در دیدار با دست‌اندرکاران کنگره بین‌المللی شهدای مدافع حرم و جبهه مقاومت:

مدافعان حرم نجات‌دهنده ایران و منطقه



آیت‌الله خامنه‌ای، رهبر معظم انقلاب اسلامی در این دیدار، مدافعان حرم را یک پدیده شگفت‌انگیز و مهم و یکی از مظاهر جهان‌نگری نظام جمهوری اسلامی خواندند و تأکید کردند: حضور جوانانی با ملیت‌های مختلف در قالب مدافعان حرم نشان داد که انقلاب اسلامی بعد از گذشت بیش از چهار دهه، قدرت بازآفرینی همان شور و حماسه اول انقلاب را دارد. رهبر انقلاب اسلامی با گرامیداشت یاد و خاطره همه شهدای مدافع حرم و جبهه مقاومت، به‌ویژه سردار شهید سلیمانی، دفاع از حرم را یک جنبه نمادین در دفاع از تفکر و آرمان‌های صاحب آن حرم و اهلبیت(ع) دانستند و گفتند: آرمان‌های بلند مکتب اهلبیت(ع) همچون عدالت، آزادی، مبارزه با قدرت‌های ظالم و «ایثار و فداکاری در راه حق»، همواره در میان وجدان‌های پاک طالب دارند.

آیت‌الله خامنه‌ای حرکت دانشجویان دانشگاه‌های آمریکا در دفاع از مردم غزه را نمونه‌ای از وجود وجدان‌های پاک در دنیا برشمردند و افزودند: مهم این است این پیام دفاع از حرم که در واقع دفاع از آرمان‌های انسانیت است به گوش وجدان‌های پاک در دنیا رسانده شود.

ایشان یکی دیگر از ابعاد موضوع دفاع از حرم را جهان‌نگری انقلاب اسلامی دانستند و خاطر نشان کردند: هر حرکت و نهضت و انقلابی که از محیط بین‌المللی و منطقه‌ای خود غافل شود قطعاً ضربه خواهد خورد، همان‌گونه که حرکت ملت ایران در قضیه مشروطه و در قضیه ملی شدن صنعت نفت به دلیل سرگرم شدن به مسائل داخلی و غفلت از دخالت‌گران خارجی آسیب دید و به سرانجام رسید.

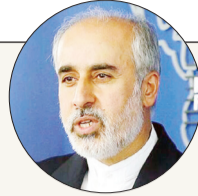
رهبر انقلاب اسلامی افزودند: امام بزرگوار(ره) از همان روزهای آغازین نهضت اسلامی همچین از ابتدای پیروزی انقلاب اسلامی همواره متوجه دخالت بیگانگان و نگرش جهانی و منطقه‌ای و سرگرم نشدن به مسائل داخلی بود و در بیانات خود در این زمینه تذکر و هشدار لازم را می‌داد.

آیت‌الله خامنه‌ای حضور رزمندگان مدافع حرم در کشورهای مختلف برای آنها نقشه بسیار خطرناکی را طراحی کرده بود از مظاهر جهان‌نگری انقلاب اسلامی دانستند و گفتند: دشمن در طراحی خود قصد داشت با تصرف منطقه و همزمان با وارد کردن فشارهای اقتصادی و سیاسی همچین «عقیدتی و مذهبی» به ایران، نظام اسلامی را از بین ببرد اما جمعی از جوانان با ایستادن با مرکزیت جمهوری اسلامی، این نقشه پرخرج استکبار را به شکست کشاندند.

ایشان تأکید کردند: با چنین نگاهی باید گفت حرکت مدافعان حرم، ایران و منطقه را نجات داد.

رهبر انقلاب اسلامی با اشاره به ماهیت خشن و بی‌رحم و غیرانسانی تشکیلات داعش و گروه‌های همسو با آن که با حمایت‌های تسلیحاتی و تبلیغاتی آمریکا و غرب شکل گرفته بودند، افزودند: هدف از این تشکیلات، ناامن کردن منطقه به‌ویژه ایران بود اما مدافعان حرم این خطر بزرگ را نیز خنثی کردند. آیت‌الله خامنه‌ای، نمایش توان انقلاب اسلامی در بازآفرینی شور و حماسه ذاتی خود در ابتدای پیروزی را یکی دیگر از ابعاد حرکت مدافعان حرم برشمردند و افزودند: حضور جوانانی که امام و دوران دفاع مقدس را ندیده بودند برای دفاع از حرم، نشان‌دهنده قدرت عجیب انقلاب اسلامی در بازآفرینی همان انگیزه‌های دینی و انقلابی چهار دهه پیش است. ایشان با اشاره به انتظار و تحلیل‌های برخی افراد دارای مبانی فکری غربی مبنی بر رو به ضعف رفتن انقلاب اسلامی و تفکرات و آرمان‌های آن، تأکید کردند: صفا، شجاعت، ایثار، اخلاص و «اعتقاد عمیق به مبانی دینی» در جوانان مدافع حرم، پدیده‌ای شگفت‌انگیز و بی‌نظیر است که غلط بودن تحلیل‌های غرب‌گرایان را نشان داد و این موضوع جز با لطف و عنایت الهی و اهلبیت(ع) نمی‌توانست شکل بگیرد.

رهبر انقلاب اسلامی بزرگساز راهپیمایی‌هایی همچون ۲۲ بهمن، یا تشییع‌های شگفت‌آوری همچون تشییع سردار سلیمانی، یا شهدای خدمت را جلوه‌های دیگری از قدرت بازآفرینی انقلاب اسلامی دانستند و تأکید کردند: شهدای مدافع حرم و خانواده‌های آنها مایه افتخار و سرافرازی و نجات و کامیابی ایران اسلامی هستند و انقلاب اسلامی قطعاً رهین این شهدا و خانواده‌های آنهاست.



عشق به ایران عزیز

ناصر کتعی، سخنگوی وزارت خارجه: مشارکت پرشور و با نشاط هموطنان غیور ایرانی مقیم خارج از کشور در چهاردهمین دوره انتخابات ریاست جمهوری، بار دیگر وطن‌دوستی و عشق به ایران عزیز را نمایان کرد. بار دیگر و در آزمون دوباره برای سربلندی ایران و ایرانی، همه با هم در کنار یکدیگر متحد و یکپارچه می‌ایستیم. میثاقی مجدد همه ایرانیان سرافراز در هر کجای ایران و جهان، جمعه آینده پای صندوق‌های رای.



امید پیروزی بزرگ

آذر منصوری، رئیس جبهه اصلاحات: تا اینجای کار پیروزی این انتخابات ملت بزرگ ایران است. (در این باره بیشتر خواهیم نوشت). اما در دور دوم انتخابات یعنی ۱۵ تیرماه با رای به دکتر پزشکیان افقی دیگر پیش‌روی مردم و ایران عزیز ما باز خواهد شد. به امید پیروزی بزرگ ملت آگاه ایران برای ایران، ایران برای همه ایرانیان.

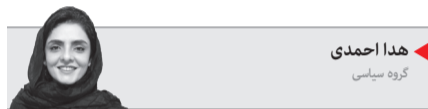


مشارکت پایین

ناصر ایمانی، تحلیل‌گر سیاسی اصولگرا در گفت‌وگو با ایلنا: اولین چیزی که شگفت‌آور بود، میزان مشارکت است که هم در واقع تعجب‌برانگیز بود و هم تأثرآور؛ این میزان مشارکت از سه سال قبل هم خیلی کمتر شد و از سه ماه پیش و انتخابات مجلس هم کمتر است. در حالی که در این دوره رقابت وجود داشت و از آن چیزی که همه ادعا داشتند و می‌گفتند که مشارکت نزدیک یا بیشتر از ۵۰ درصد خواهد بود.

چه خواهد شد؟

انتخابات ریاست جمهوری با مشارکت ۴۰ درصدی مردم به مرحله دوم رفت جمعه ۱۵ تیر، مسعود پزشکیان و سعید جلیلی با هم رقابت می‌کنند



هدا احمدی
گروه سیاسی

به احتمال زیاد آنهایی که در انتخابات ریاست جمهوری ایران شرکت کردند، جمع‌شمار را نتوانستند راحت بخوابند و صبح شنبه با رفتن دو کاندیدا از دو جناح کاملاً متفاوت به دور دوم مواجه شدند. مسعود پزشکیان که پشتوانه اصلاح‌طلبان و مستقلین را دارد و سعید جلیلی با پشتوانه حزب پایداری و با دیدگاه جریان خالص‌سازی. در همین راستا، باامداد نهم تیرماه محسن اسلامی، سخنگوی ستاد انتخابات اعلام رسمی آمار را آغاز کرد و در اولین آمار رسمی، مسعود پزشکیان نفر اول بود اما هر قدر به صبح نزدیک می‌شدیم، آمار کمی متفاوت‌تر می‌شد. سخنگوی ستاد چند مرحله دیگر نیز آمارهای جدید از شمارش آرا را اعلام کرد که در مرحله چهارم و پنجم جای پزشکیان و جلیلی تغییر کرده است که البته به فاصله یک تا دو ساعت مجدداً با اعلام ششمین، هفتمین و هشتمین مرحله، بار دیگر پزشکیان با ۱۰ میلیون و ۴۱۵ هزار و ۹۹۱ رای بیشتر در صدر باقی ماند و با سعید جلیلی نیز با ۹ میلیون و ۴۷۳ هزار و ۲۹۸ رای شد و به دلیل اینکه هیچ کدام از نامزدها نتوانستند، آرای بالای ۵۹ درصد را کسب کنند، در نهایت انتخابات وارد مرحله دوم شد. طبق آمار اعلام شده، کل آرای شمارش شده ۲۴ میلیون و ۵۳۵ هزار و ۱۸۵ رای بود و تعداد آرای باطله در این دوره از انتخابات ریاست جمهوری ۱۰۵۶۰۱۵۹ رای بوده است. نتایج هم به شورای نگهبان فرستاده شد زیرا تأیید صحت انتخابات بر عهده این شورا است. بنابراین طبق ماده ۶۷ قانون

انتخابات ریاست جمهوری، فعالیت انتخاباتی در مرحله دوم از تاریخ اعلام رسمی نتایج قطعی آراء مرحله اول شروع و تا ۲۴ ساعت قبل از آغاز اخذ مرحله دوم ادامه خواهد یافت. بعد از تأیید صحت انتخابات توسط شورای نگهبان و اعلام اسامی دو نفری که در دور دوم رقابت می‌کنند با اعلام وزارت کشور تبلیغات آغاز می‌شود. مسعود پزشکیان پس از اعلام نتایج انتخابات ریاست جمهوری با انتشار ویدئویی خطاب به مردم گفت: از اعماق وجودم به زنان، مردان، دختران، پسران و فرزندان ایران عزیزم درود می‌فرستم؛ از این‌که نتوانستم در مدت کوتاه فرصت تبلیغات و گفت‌وگوها خدمت مردم در تمام استان‌ها برسم، شرم‌ندم. وی با بیان اینکه از طریق این پیام ویدئویی چند کلامی با مردم صحبت می‌کنم، ادامه داد: «اما باید یک بار دیگر برخیزیم و طرحی نو دراندازیم؛ با کمک مردم و همه عزیزان در این کشور از همه قومیت‌ها، زبان‌ها و لهجه‌ها، با هم دست‌به‌دست هم داده و برای ایران‌مان و نجات کشورمان از فقر، دروغ، تبعیض و بی‌عدالتی تلاش کنیم تا آن را نابود کرده و از بین ببریم».

این درحالی است که در این دوره از انتخابات ریاست جمهوری ۶ کاندیدا اعم از پزشکیان، جلیلی، قالیباف (رئیس مجلس دوازدهم)، پورمحمدی، قاضی‌زاده‌اشمی و زاکانی (شهردار تهران) را برای رقابت در عرصه قدرت تأیید کرد و از میان اینها قاضی‌زاده‌اشمی و زاکانی به نفع جریان تندرو کنار کشیدند و قالیباف و پورمحمدی هم به ترتیب با ۳ میلیون و ۲۸۳ هزار و ۳۴۰ و ۲۰۶ هزار و ۳۹۷ رای در دور اول از این عرصه خارج شدند. قالیباف بلافاصله پس از اعلام نتایج بیانه‌ای داد و در بخشی از این بیانه چنین اعلام کرد: «راه هنوز پایان نیافته و به‌رغم اینکه اینجانب برای شخص آقای دکتر پزشکیان احترام قائل هستم اما به دلیل نگرانی از برخی اطرافیان ایشان، از همه نیروهای انقلابی و حامیان خود می‌خواهم که کمک کنند تا جریانی که مسبب بخش مهمی از مشکلات اقتصادی و سیاسی امروز ماست به عرصه قدرت باز نگردند؛ لذا همه باید تلاش کنیم تا نامزد جبهه

انقلاب آقای دکتر جلیلی به عنوان رئیس دولت چهاردهم انتخاب شوند». آن هم در شرایطی که او حتی با وساطت برخی از سیاسیون، حاضر نشد تا در دور اول به نفع سعید جلیلی کنار بکشد اما اکنون که رقابت تنها بین جلیلی و پزشکیان است، بیانه منتشر می‌کند. البته دولت سیزدهم هم به طور علنی از سعید جلیلی حمایت و خوشحالی خود را از رفتن به دور دوم اعلام کرد و رئیس اطلاع‌رسانی آن با بیان اینکه نباید به دوران سیاه گذشته برگردیم، نوشت: «پیشرفت اقتدارآفرین ایران سربلند در این ۳ سال و جلوگیری از بازگشت به عقب و دوران سیاه گذشته، میثاق جبهه متحد فعالان انقلاب است. همه در یک سنگرند برای آینده ایران».

خالص‌سازان انتخاباتی

محمدباقر قالیباف درحالی از هواداران خود خواست حال که او باخته است، دور دوم انتخابات به سعید جلیلی رای بدهند که از بیانه منتشر شده‌اش چیزی جز بوی باخت سیاسی نمی‌آید. گویا پایداری‌ها و طیف وابسته به دولت سیزدهم علاوه بر اینکه چهار سال ریاست او را در مجلس یازدهم به حاشیه بردند، حال برای اینکه قالیباف در مجلس کمی راحت‌تر تصمیم بگیرد، راهی برای او جز وفاداری کامل به این طیف باقی نگذاشته‌اند. حال این سوال پیش می‌آید که آیا

قالیباف که در مناظره‌ها ادعا کرده بود با هر جناحی اعم از اصولگرا و اصلاح‌طلب کنار می‌آید چنین بیانه‌ای را با اعتقاد واقعی نوشته است یا برای دلخوشی رقبای به ظاهر دوستش. قالیباف هرگز نتوانست پایداری‌ها را راضی نگه دارد. کم‌اینکه همیشه از بی‌کفایتی ریاستش بر پارلمان می‌گفتند و رفت‌آمدهای خانواده‌اش را رسانه‌ای می‌کردند. شاید بتوان اولین دهن‌کجی سیاسی آنها را به سال گذشته برگرداند. همان زمانی که قالیباف در اولین کش سیاسی‌اش پس از مدت‌ها همایش انتخاباتی ۴ هزار نفری مینا را برگزار کرد و جریان پایداری و خالص‌سازان به او دهن‌کجی کردند.

به هر حال نباید فراموش کنیم که سعید جلیلی هم حاضر نشد به نفع قالیباف در انتخابات ریاست جمهوری ۱۴۰۳ کنار بکشد و حتی زمانی که محسن رضایی در ایکس عکس‌هایی از نشست مجمع نیروهای انقلاب رونمایی کرد و از کاندیداها خواست که به‌نفع یکدیگر کنار بروند با واکنش جلیلی همراه شد و او در آخرین سخنرانی‌اش میان جمعی از طرفدارانش گفت: «این‌گونه نیست که در این مسیر با شک و تردید وارد شده باشیم». درحالی که سعید جلیلی سال ۱۴۰۰ به نفع ابراهیم رئیسی کناره‌گیری کرده بود اما حاضر نشد برای قالیباف به هیچ عنوان مبارزه در عرصه قدرت را ترک کند که حتی روزنامه کیهان هم بارها درخصوص به اجماع رسیدن توصیه کرده بود.

خالص‌سازی دل‌پایان در انتخابات یک هدف بزرگ داشت و آن حذف اصلاح‌طلبان و اعتدالیون از مجلس شورای اسلامی و خیرگان بود. آنها حتی قبل از تأیید صلاحیت‌ها هم قصد داشتند تا با فشارهای مختلف بر شورای نگهبان، درصلاحیت همین چند چهره باقی‌مانده را نیز بگیرند تا پروژه خالص‌سازی خود را تکمیل کنند که از قضا در رقابت این بار ریاست جمهوری از ۶ کاندیدا، تنها یک نفر از آنها یعنی مسعود پزشکیان از طیف جریان تندرو نبود.

در عین حال، روند پیش گرفته شده از سمت خالص‌سازان در عمل هم مشخص است. آنها پس از اینکه سعی کردند تمام جریان‌های اصلاح‌طلب را به گوشه رینگ بفرستند، به دلیل گشایش اندکی در انتخابات زود هنگام ریاست جمهوری نه تنها اصلاح‌طلبان بلکه رقیبان

قدرت‌ری از طیف خودشان را داشتند که دو نفر از آنها یعنی زاکانی و قاضی‌زاده‌اشمی دو روز مانده به برگزاری انتخابات به نفع دوستانشان کنار کشیدند که البته بودن یا نبودن آنها چندان فرقی هم نمی‌کرد و گویا فقط آمده بودند تا وفاداری‌شان را به این طیف ثابت کنند. پزشکیان به آرای بیش از ۸۰ درصد واجدین شرایط نیاز دارد و خالص‌سازان به ۲۰ درصد دیگر که همیشه پای ثابت رای دادن به آنها بودند و هستند. به هر حال شاید بتوان زمینه را برای مشارکت مردمی در دور دوم کمی بالاتر برد اما اینطور که معلوم است، تضادهای عیان سیاسی جریان تندرو حتی اگر در ریاست جمهوری پیروز نشود، در مجلس نیز با فشار بر قالیباف، یک پروژه خالص‌سازی از درون پروژه قبلی را بیرون خواهد آورد. جریانی که عملاً شکست خورده‌اند ولی نمی‌خواهند قبول کنند که مسیر اشتباهی را در پیش گرفته بودند. همان خالص‌سازی که خود را پشت شعارهای پوپولیستی پنهان کردند و حتی به یار غارشان، یعنی محمدباقر قالیباف هم رحم نکردند. حال باید منتظر ماند و دید که پانزدهم تیرماه در دور دوم چه اتفاقی خواهد افتاد.

واکنش‌ها پس از انتخابات چه بود؟

پس از اعلام نتایج، واکنش‌ها آغاز شد. آذری جهرمی، وزیر ارتباطات دولت سابق در توییتر نوشت: «برنده انتخابات مهم است اما مهم‌تر از آن، آن ۶۰ درصد نوجوانانی هستند که به دلایل مختلف تصمیم گرفتند در انتخابات حاضر نشوند چون که تاکنون صدایی برای همنوایی با آن نشنیدند. ایران متعلق به همه است، متعلق به همه این ۶۰ درصد هم. باید صداشون بود که ایران، ایران همیشگی بشه...»



محمد سالاری، نماینده جبهه اصلاحات ایران در ستاد مرکزی پزشکیان هم در ایکس گفت: «آنچه در تحلیل رفتار انتخاباتی جریان اصولگرایی مسلم است، رای جلیلی رای سازمان‌یافته اصولگرایی با همراهی برخی نهادهاست و نه کارنامه مدیریتی و شخصی او و در مقابل رای قالیباف، رای کارنامه مدیریتی اوست و نه سازمان رای این جریان».

محمود صادقی، نماینده ادوار مجلس نیز معتقد است که پزشکیان می‌تواند برنده مرحله نهایی انتخابات باشد. همچنین به اعتقاد حسام‌الدین آشنا، وقتی ۳۵ سال همواره بر سر جمهور کوبیدید که رئیس جمهور کارهای نیست، چرا انتظار مشارکت بالا دارید؟

در همین حین سرافراز، رئیس اسبق صداوسیما در شبکه اجتماعی ایکس نوشت: «با وجود تبلیغات پر حجم رسانه ملی و وعده‌های رنگارنگ داوطلبان ریاست جمهوری، مشارکت سیاسی افزایش نیافت. آراء کاندیدای مورد نظر کاهش یافت. آب در هاون کوبیدند. ای کاش عبرت بگیرند».

به اعتقاد علی ربیعی، پیام کسانی که مشارکت نکردند، واضح، روشن و قابل دریافت است. چند روز پیش، نوشته بودم: «رقیب پزشکیان، این چهار نفر نیستند! رقیب پزشکیان، ناامیدی از نتایج مشارکت است که آن هم برآمده از کارشکنی‌ها در گذشته و در مقابله با رای مردم همچین عملکرد جریان یک‌دست شده سال‌های اخیر است». پیام کسانی که مشارکت نکردند، واضح، روشن و قابل دریافت است. باید از خودمان پرسیم بر سر ایران و آرمان اصلی انقلاب، یعنی «حق تعیین سرنوشت شهروندان به شیوه انتخابات» چه آمده است؟!

احمد زیدآبادی، فعال سیاسی هم در مطلبی کوتاه با عنوان «مسئولیت تراژیک و ناخواسته!»: نوشت: «دیگر مسجل شده است که مسعود پزشکیان و سعید جلیلی به دور دوم انتخابات راه یافته‌اند. این «دور دوم» چه مسئولیت ناخواسته، سنگین، هولناک و تراژیک به دوش آن دسته از منتقدان وضع موجود گذاشت که به انحاء مختلف از زیر بار حضور در انتخابات فراری بودند!»

دیدگاه: گزارش خارجی

دوئل در پاریس

راست‌گراها، میانه‌روها و چپ‌ها چه برنامه‌ای برای انتخابات پارلمانی فرانسه دارند؟

در آستانه انتخابات پارلمانی در فرانسه، جناح راست افراطی، مساله مهاجرت را به عنوان پایه اصلی مبارزات انتخاباتی خود قرار داده است اما نحوه برخورد با موضوع پناهندگی و مهاجرت در مانفست میانه‌روها و چپ‌ها هم برجسته است. بر واضح است که حزب راست‌گرای افراطی و ضد مهاجرت «اجتماع ملی» مبارزه با مهاجرت را در اولویت خود قرار داده باشد. کما اینکه سر فصل اصلی برنامه این حزب «توقف سیل مهاجران» است و با هدف کاهش «شدید» مهاجرت قانونی و غیرقانونی و اخراج خارجی‌های «بزهکار» طرح‌ریزی شده است. جردن باردلا، رهبر این حزب اعلام کرده که در صورت انتخاب شدن، ظرف چند هفته پس از دور دوم انتخابات به تاریخ هفتم ژوئیه، پیش‌نویس «یک قانون فوریت‌دار» در مورد مهاجرت را به مجلس سفلی ارائه خواهد کرد. این طرح پیشنهادی شامل لغو «حق تولد» (اصل خاک) فرانسه نیز می‌شود. بر اساس سیستم فعلی، نوزادانی که در خاک فرانسه از والدین خارجی متولد می‌شوند به صورت خودکار می‌توانند زمانی که ۱۸ ساله شدند تابعیت فرانسوی دریافت کنند، مشروط بر اینکه حداقل پنج سال از سن ۱۱ سالگی در فرانسه زندگی کرده باشند. طبق سیاست‌های پیشنهادی حزب «اجتماع ملی» کسب این نوع از تابعیت صرفاً محدود به متولدینی خواهد بود که حداقل یکی از والدین آن‌ها فرانسوی بوده باشد. علاوه بر این، اخذ این تابعیت مشروط به رعایت الزامات سختگیرانه از جمله همسان شدن فرهنگی و مهارت در زبان فرانسوی خواهد بود. حزب «اجتماع ملی» همچنین قصد دارد شرایط را برای اعطای «ویزای الحاقی به سایر اعضای خانواده» سخت‌تر کند. همچنین در نظر دارد تا کمک‌های پزشکی دولتی برای مهاجران غیرقانونی را با صندوقی جایگزین کند که فقط موارد اضطراری دارای خطر جانی را پوشش دهد. علاوه بر این حزب «اجتماع ملی» با هدف گسترش بستر جرم‌انگاری از خارجی‌ها و تسهیل اخراج آنها قصد دارد تا مفهوم «اقامت غیرقانونی» را دوباره به عنوان یک جرم کیفری در قوانین مهاجرتی فرانسه بگنجانند. این اقدام پیش‌تر هم در قوانین مهاجرتی اخیر فرانسه گنجانده شده بود اما بعداً خلاف قانون اساسی تلقی و حذف شد. تغییرات پیشنهادی این حزب با یک چاشنی سیاست تریج ملی نیز همراه خواهد بود؛ به این معنی که شهروندان فرانسوی برای دسترسی به مسکن و شغل در اولویت قرار می‌گیرند و مزایای رفاهی محدود به اتباع فرانسوی خواهد شد. فرانسوی‌های دارای تابعیت دوگانه نیز طبق این طرح از امکان استخدام در یک‌سری از «مشاغل راهبردی» در حوزه‌های نظامی و اطلاعاتی محروم می‌شوند. برخی از اصلاحات فوق احتمالاً به تأیید شورای قانون اساسی فرانسه نیاز دارد، دادگاهی که در مورد مطابقت قوانین با قانون اساسی تصمیم می‌گیرد. هرچند که باردلا در این زمینه هم گفت که اگر شورای قانون اساسی هم تأیید نکند آمده است که این موارد را در سال ۲۰۲۷ و پس از انتخابات ریاست جمهوری آن سال به همه‌پرسی سراسری بگذرانند.

در طرف مقابل طیف راست‌گرایان، ائتلاف «جبهه جدید مردمی» متشکل از احزاب چپ (سبزها و حزب فرانسه تسلیم‌ناپذیر) و حزب سوسیال دمکرات قرار دارد که با هدف «اطمینان از استقبال عزت‌مندانه» از خارجی‌ها، ده‌ها ابتکار رو کرده است. این پیشنهادات در درجه اول شامل لغو قوانین ۲۰۱۸ و ۲۰۲۴ در مورد پناهندگی و مهاجرت است که براساس آن، رویه‌ها برای اخراج مهاجران غیرقانونی و خارجی‌های دارای محکومیت کیفری سادتر شده بود. ائتلاف «جبهه جدید مردمی» به دنبال بهبود شرایط پذیرش پناهجویان، تسهیل دسترسی آن‌ها به ویزا و صدور مجوز اقامت با اعتبار ۱۰ ساله به عنوان استاندارد است. «جبهه جدید مردمی» پیشنهاد می‌کند که پناهجویان تحت حمایت‌های تأمین اجتماعی قرار گیرند و به آن‌ها اجازه داده می‌شود تا زمانی که پرونده‌های آن‌ها در حال بررسی است، اجازه کار داشته باشند.

منبع: یورونیوز



پکن و کابل

شی جین پینگ، رئیس‌جمهور چین در هفتادمین سالگرد پنج اصل همزیستی مسالمت‌آمیز در پکن گفت که «عزم چین برای توسعه صلح تغییر نمی‌کند و این کشور به نقش سازنده خود در حل مسائل افغانستان ادامه خواهد داد». چین با وجود اینکه همانند دیگر کشورها طالبان را به رسمیت نمی‌شناسد، روابط اقتصادی و سیاسی با این گروه دارد و سفارت افغانستان در پکن را به طالبان واگذار کرده است.



شرکای جدید ناتو

جیمز اوبراین، دستیار وزیر امور خارجه آمریکا در امور اروپا و اوراسیا طی یک نشست توجیهی در باکو، خاطر نشان کرد که ایالات متحده، جمهوری آذربایجان و ارمنستان را به نشست شرکای خود در چارچوب اجلاس ناتو که در واشنگتن برگزار می‌شود، دعوت کرده است. این دعوت که از سوی آنتونی بلینکن پیشنهاد شده به صورت واضح تهدیدی برای منافع روسیه در قفقاز به حساب خواهد آمد.

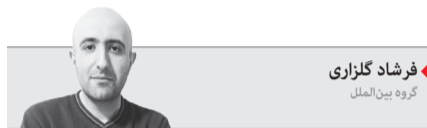


درخواست لبنان

عبدالله بو حبيب، وزير امور خارجه لبنان از کشورهای که به اتباع خود درخصوص سفر به لبنان هشدار می‌دهند یا خواستار خروج آنها از این کشور هستند، درخواست کرد به جای هشدار به شهروندان خود با لبنان اعلام همبستگی کنند. وی تهدیدهای نظامی اسرائیل علیه لبنان و هر گونه حمله به خاک این کشور را عامل این موضوع دانست و گفت که فشار روانی بر لبنانی‌ها افزایش پیدا کرده است.

خداحافظی با جو؟

درخواست برای کناره‌گیری بایدن از انتخابات تشدید شده اما دموکرات‌ها چه گزینه‌هایی دارند؟

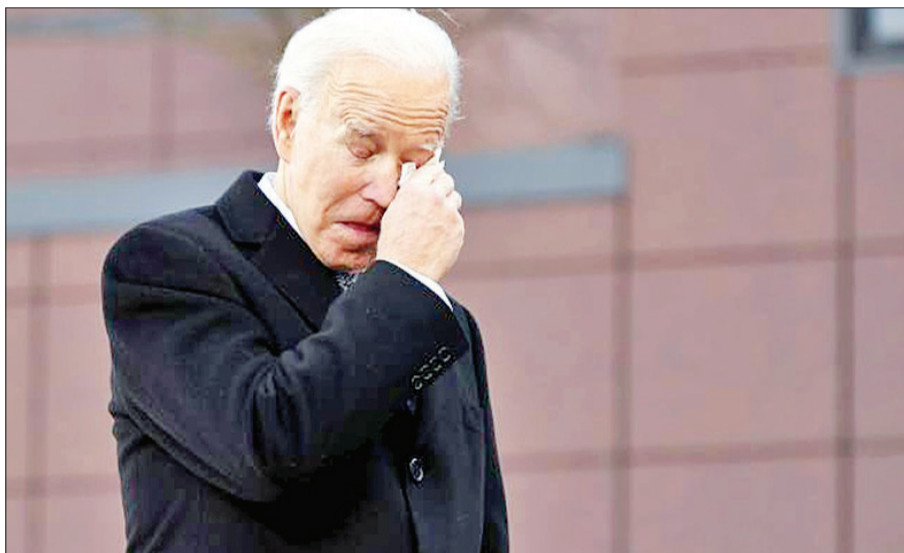


«این مناظره اشک من را درآورد. هیچ وقت در عمرم چنین لحظه رقت‌انگیزی را در سیاست مربوط به کارزارهای انتخاباتی آمریکا به یاد نمی‌آورم چون دقیقاً اکنون فاش شد که بایدن مردی خوب و رئیس جمهوری خوب است که هیچ برنامه درستی برای پیروزی مجدد در انتخابات ریاست جمهوری ندارد». این عبارت بخشی از یادداشت توماس فریدمن، ستون‌نویس نام‌آشنای نیویورک‌تایمز است که پس از پایان نخستین مناظره ترامپ و بایدن بر سر تصاحب قدرت در انتخابات ریاست جمهوری آمریکا منتشر شد.

او در ادامه می‌نویسد: «دونالد ترامپ، مردی شریر و رئیس جمهوری حقیر است که هیچ چیز یاد نگرفته و هیچ چیز را فراموش نکرده است. او همان فواره دروغی است که قبلاً بود و تنها دل‌مشغولی شکایت‌های خودش را دارد؛ شکایت‌هایی که هیچ غرابی با ضروریات رهبری آمریکا در قرن بیست‌ویکم ندارد. خانواده بایدن و تیم سیاسی او باید سریعاً دور هم جمع شوند و سخت‌ترین گفت‌وگوها را با رئیس‌جمهور آمریکا همراه با شفافیت، عزم و محبت نسبت به او داشته باشند و به آمریکا عالی‌ترین فرصت برای دفع تهدید ترامپ در ماه نوامبر را بدهند. رئیس‌جمهور آمریکا باید قدم جلو گذاشته و رسماً اعلام کند دیگر برای دور دوم ریاست جمهوری خود نامزد نمی‌شود و همه نمایندگان الکترال حامی خود را به کنوانسیون ملی دموکرات‌ها واگذار می‌کند».

این گفته‌های فریدمن به عنوانی کسی که سال‌های سال سیاست و اقتصاد آمریکا را درک کرده و عمیقاً در مورد آن نگران است، به خوبی نشان می‌دهد که اوضاع در ایالات متحده به خصوص انتخابات ریاست جمهوری آن که قرار است حدود چهار ماه دیگر یعنی در پنجم نوامبر برگزار شود، مناسب نیست. فریدمن که یک نگاه ملی‌گرای لیبرال دارد اساساً بر این موضوع تأکید دارد که بایدن اگرچه یک سیاستمدار کهنه‌کار و با سابقه به حساب می‌آید اما در مقابل او کسی مانند ترامپ حضور دارد که هیچ درکی از سیاست نداشته و صرفاً با مانور بر مشکلات جسمی، او به دنبال آن است تا بتواند مجدداً به کاخ سفید بازگردد. اما او به نوعی با یادداشتی که منتشر کرد، نگران وضعیت بایدن به عنوان نامزد اصلی حزب دموکرات در انتخابات ریاست جمهوری آتی است و حتی در این راستا به شهرهای کلیدی و تأثیرگذار این حزب هشدار می‌دهد که باید برای عبور از این بحران به سمت انتخاب گزینه دیگری بروند. فریدمن در ادامه می‌نویسد: «اگر کاملاً هریس، معاون رئیس‌جمهور می‌خواهد وارد رقابت شود باید این کار را انجام دهد و حزب دموکرات را مجاب کند. اما رای‌دهندگان شایسته داشتن فرآیند بازی برای جست‌وجوی نامزد ریاست جمهوری دموکراتی که بتواند حزب را متحد کند، چیزی که هیچ یک از ۲ مناظره‌کننده در آتلانتا پیشنهاد ندادند را پیشنهاد کند؛ این که توصیفی از جهان کنونی ارائه کرده و بگوید آمریکا برای حفظ رهبری اخلاقی، اقتصادی و دیپلماتیک در این جهان باید چه کار کند».

فریدمن به دلیل آنکه اقتصاد سیاسی را به خوبی می‌داند و پیچیدگی‌های جهان امروز را همان‌طور که در کتاب «امنون که دیر آمدید» نوشته است، واضح‌تر و بدون روتوش درک کرده، می‌داند که ایالات متحده نه تنها در مقوله «رهبری جهان» با انتخاب دونالد ترامپ با مشکلات تکراری سال‌های



تلگراف در این گزارش نوشته است که «وزرای محافظه‌کار کابینه فعلی انگلیس به طور خصوصی از دموکرات‌های آمریکا خواستند که چارچوب روابط ویژه را کنار بگذارند و با عباراتی صریح از جو بایدن بخواهند از رقابت‌ها کنار بکشند». سوال اصلی که در این راستا شکل می‌گیرد این است که چه کسانی در این بین برای جایگزینی بایدن از سوی حزب دموکرات مدنظر هستند؟ پاسخ به این سوال تقریباً غیرممکن است و صرفاً کسانی که وضعیت حزب دموکرات و نفرت شاخص آن را طی دو دهه گذشته به صورت عمیق و پیوسته مطالعه کرده‌اند، می‌توانند به این سوال پاسخ دهند. در این بین گزینه اول بدون شک می‌تواند کاملاً هریس، معاون بایدن باشد که به عنوان نخستین زن در تاریخ سیاسی آمریکا در این جایگاه ایفای نقش کرده اما کاملاً هریس به این دلیل که نقش مستقلی برای خود شکل نداده و محبوبیت پایینی در نظرسنجی‌ها دارد مورد انتقاد شدید قرار گرفته است.

فارغ از کاملاً هریس، روزنامه گاردین در گزارش اخیر خود نام چند تن از گزینه‌های احتمالی دموکرات‌ها برای جایگزینی بایدن را به انضمام سوابق آنها منتشر کرده است. گوین نیوسام، فرماندار ۵۶ ساله کالیفرنیا یکی از این افراد است که پس از انتقادها از بایدن پس از مناظره اول، تمام قد به حمایت وی پرداخت. او در سال میلادی گذشته در مناظره انتخاباتی فرمانداری عملکرد خوبی در برابر «ران دی‌سانتیس» نامزد جمهوری خواهان از خود نشان داد و می‌تواند یکی از گزینه‌های دموکرات‌ها برای جایگزینی بایدن باشد.

بر اساس گزارش گاردین جی رابرت پریسکر، فرماندار ۵۹ ساله ایالت ایلینوی یکی از گزینه‌ها می‌تواند باشد چراکه او در مساله سقط جنین و تلاش برای حفاظت از آنچه برخی آن را حق سقط جنین می‌دانند، چهره خوبی از خود به جای گذاشته است. گرچن ویتمر، فرماندار میشیگان هم یکی از گزینه‌های مورد نظر است چراکه او در انتخابات ریاست جمهوری ۲۰۲۰ یکی از گزینه‌های اصلی برای معاونت ریاست جمهوری آمریکا بود و شاید به دلیل زن بودنش برای دموکرات‌ها گزینه خوبی باشد. همچنین دین فیلیس، نماینده ۵۵ ساله ایالت مینسوتا در مجلس نمایندگان آمریکا که در انتخابات مقدماتی حزب دموکرات در سال جاری رقیب اصلی بایدن محسوب می‌شود هم یکی از گزینه‌ها می‌تواند باشد؛ اما باید دید که آیا دموکرات‌ها آماده خداحافظی با بایدن هستند یا تا روز برگزاری کنوانسیون حزب دموکرات می‌خواهند بایدن را گزینه نهایی معرفی کنند؟

۲۰۲۶ تا ۲۰۲۰ مواجه خواهد شد بلکه به این خروجی رسیده که بایدن هم نمی‌تواند بر مشکلات شخصی و همه‌های گسترده جمهوری خواهان فائق آید؛ به گونه‌ای که تنها ۴۸ ساعت پس از برگزاری مناظره اول در شهر آتلانتا مایک جانسون، رئیس مجلس نمایندگان آمریکا صراحتاً با استناد به متمم ۲۵ قانون اساسی آمریکا اعلام کرد که کابینه بایدن باید به بررسی برکناری او از سمت خود به دلیل ناتوانی در اداره امور کشور فکر کند چراکه دشمنان ما مانند همه ما ضعف را در کاخ سفید می‌بینند و به همین دلیل فکر می‌کنم که اوضاع کنونی بسیار خطرناک است». همچنین دونالد ترامپ پس از مناظره اول در یک گردهمایی در ایالت ویرجینیا با تمسخر بایدن گفت «او یک هفته را در کمپ دیوید گذراند تا برای مناظره آماده شود و قوانین، تاریخ و ناظرانی که می‌خواست به دست آورد اما به نظر نمی‌رسید که به مهارت‌های او کمک کرده باشد چراکه درس خواندن او برای مناظره کمکی به وی نکرد».

چه گزینه‌هایی روی میز است؟

واقعیت این است که موج انتقادی علیه بایدن صرفاً به کمپین جمهوری خواهان منتهی نمی‌شود بلکه جامعه نقبگانی آمریکا به انضمام مقامات حزب دموکرات و بسیاری از روزنامه‌نگاران و رسانه‌ها پس از اتمام مناظره اول بایدن و ترامپ که به میزبانی سسی.ان.ان برگزار شد با مدل‌های مختلف در حال مخابره این پیام هستند که بایدن باید برای انتخابات ریاست جمهوری کناره‌گیری کند و شخص دیگری را جایگزین خود کند. به عنوان مثال هیات تحریریه روزنامه نیویورک‌تایمز (شنبه) در یادداشتی تحت عنوان «بایدن برای نجات کشورش باید از انتخابات کناره‌گیری کند» از رئیس جمهوری کنونی آمریکا خواستند از رقابت‌های انتخاباتی کناره‌گیری کند و به کاندیدای دموکرات دیگری اجازه بدهد در انتخابات ریاست جمهوری ماه نوامبر شرکت کند. همچنین بر اساس نظرسنجی مورنینگ کانسال (Morning Consult) که در اکسیوس منتشر شد حدود ۶۰ درصد رای‌دهندگان می‌گویند که بایدن به دلیل عملکرد ضعیفش «قطعاً» و یا «احتمالاً» باید به عنوان نامزد دموکرات‌ها تغییر کند. این وضعیت به جایی رسیده که حالا متحدان ایالات متحده مانند انگلیس هم نگران وضعیت حزب دموکرات و باید هستند. روزنامه تلگراف چاپ لندن در این خصوص اعلام کرده که سه عضو کابینه ریشی سوناک، نخست‌وزیر انگلیس به این روزنامه گفته‌اند که بایدن باید با فردی بهتر برای شکست دونالد ترامپ تعویض شود.

دریچه: تحلیل عادات

چشم‌ها را باید شست

تفاوت‌های مانع و فرصت



حسن محرابی
پژوهشگر

چرا هنگام برخورد با مسائل زندگی، این که آن مسائل را مانع بدانیم یا یک فرصت بسیار مهم است؟ در عالم واقع نسه مانعی وجود دارد و نه هیچ فرصتی! همه چیز در مورد ادراک و نحوه حل و فصل موقعیت‌های زندگی مان است. این کلمات فقط برچسب‌هایی هستند که ما روی نتایج یا نتایجی که ممکن است دوست داشته باشیم یا دوست نداشته باشیم، اعمال می‌کنیم. در واقع این قضاوت‌ها و داوری‌ها وابسته به ادراک و نگرش است.

در این خصوص داستانی وجود دارد که روایت می‌شود. دو فروشنده متبحر کفش از سوی یک شرکت بزرگ برای ارزیابی و بازاریابی به یک جزیره اعزام می‌شوند. نفر اول بعد از بازدید از جزیره متوجه می‌شود هیچ کدام از مردم این جزیره کفش نمی‌پوشند. آن بازاریاب با شرکتش تماس می‌گیرد و می‌گوید: خود به این جزیره آمدم اینجا اصلاً کسی کفش نمی‌پوشد. اما نفر دوم با سرعت با شرکتش تماس می‌گیرد و می‌گوید: فوری ۱۰۰۰ جفت کفش ارسال کنید، این‌جا هیچ‌کس کفش ندارد! اگر در هر موقعیتی چیزی را به عنوان مانع ببینید و ناگهان کسی راهی برای غلبه بر مانعی که قبلاً نادیده گرفته بودید را به شما نشان دهد آیا آن مانع ناگهان تبدیل به یک فرصت می‌شود؟ واقعاً نه! بلکه آن‌چه در این‌جا تغییر کرده است، درک ما و نحوه طبقه‌بندی آن رویداد بر اساس امکان حل و به دست آوردن موفقیت است. ما به سادگی به این وضعیت برچسب «فرصت» می‌زنیم اما اگر کمی به عقب برگردیم، متوجه می‌شویم تفاوت چندانی وجود ندارد. در واقع وضعیت به هیچ وجه تغییر نکرده است بلکه درک و واکنش ما نسبت به این موقعیت پس از (اغلب) یک احساس اولیه تغییر کرده است. همیشه باید سعی کنیم در مواجهه با هر مانعی به دنبال فرصت‌هایی بگردیم و وقتی مانعی را دیدیم باید خود را به چالش بکشیم. بسیاری از موانعی که ما آن‌ها را «غیرممکن» می‌نامیم در واقع فقط موانع ذهنی هستند که باید بر آن‌ها غلبه کنیم.

اشاره به یک نکته ضرورت دارد، بدین معنا که بهره‌برداری از یک فرصت هیچ وقت آسان نیست، اگر آسان بود همه این کار را می‌کردند! زیرا از یک دیدگاه وقتی با آن‌چه به عنوان فرصت با آن روبه‌رو می‌شویم ممکن است چیزی باشد که در مواجهه با آن شکست بخوریم؛ بنابراین برای استفاده از فرصت باید با شجاعت جلو رفت و از آن بهره گرفت اما اگر شکست هم خوردیم نباید مأیوس شویم زیرا خود را به بهترین شکل ممکن آماده کردیم و اگر شکست بخوریم، می‌توانیم از تمام تجربیاتی که به‌دست می‌آوریم در مورد فرصت دیگری از آن استفاده کنیم.

موانع می‌توانند چیزهای زیادی به ما بیاموزند با این حال بسیاری اوقات ما به موانع به عنوان فرصتی برای یادگیری نزدیک نمی‌شویم. بیشتر اوقات مردم به موانع به عنوان سدی نگاه می‌کنند که مانع از آن می‌شود، بتوانند رویاهای خود را دنبال کنند در حالی که می‌توانیم چیزهای زیادی هنگام عبور از یک موقعیت بد (موانع) یاد بگیریم که گاهی اوقات سودمندتر از آن است که آن‌ها را نادیده بگیریم. طبق روال معمول چیزهایی در زندگی اتفاق می‌افتد که آن‌ها را رویداد می‌نامیم. در این اوقات می‌توانیم ۱۰ نفر مختلف را به صف کنیم و نظرشان را در مورد یک رویداد خاص بپرسیم. بدیهی است ۱۰ واکنش مختلف دریافت خواهیم کرد که ثابت می‌کند، شکسپیر درست گفته است: «هیچ چیز خوب یا بد وجود ندارد اما تفکر باعث می‌شود این‌طور به نظر برسد.» به عبارت دیگر هرگز رویداد مهم نیست. مهم این است که شما چگونه رویداد را تفسیر می‌کنید یا به تعبیر دقیق‌تر چگونه رویداد را از منظر شخصی و فیلتر شده خود می‌بینید. در حقیقت این سوال مطرح می‌شود که چه کسی واقعاً می‌تواند به ما بگوید هر چیزی که با آن روبه‌رو هستی یک مانع یا فرصت است؟ پاسخ این است: فقط خودمان. به یاد داشته باشیم که تنها خود ما بر افکار و واکنش‌های خود نسبت به آن‌چه در این زندگی تجربه می‌کنیم، کنترل داریم زیرا در بسیاری از اوقات به ما یاد نمی‌دهند چگونه؟ یا چرا؟ باید تصمیماتی را بگیریم که نشان می‌دهند ما تفاوت مانع و فرصت را می‌دانیم.



جایزه اورول برای هاشم مطر

سومین رمان هشام مطر، نویسنده برنده پولیتزر با عنوان «دوستان من» بر اساس رویدادی از سال ۱۹۸۴ و تیراندازی به سوی معترضان در سفارت لیبی در لندن، برنده جایزه جورج اورول برای داستان‌های سیاسی شد. متیو لوئگو نیز برنده جایزه جورج اورول ادبیات غیرداستانی برای کتابی با عنوان «ایک نیک» شد. از برندگان پیشین جایزه داستان سیاسی جورج اورول می‌توان به علی اسمیت و کولسون وایتهد اشاره کرد.



مؤسس ادبیات تطبیقی

امید طیب‌زاده: فاطمه سیاح، اولین بانوی استاد دانشگاه تهران و صاحب کرسی نقد ادبی در دانشگاه تهران بود که پس از مرگش این کرسی به ناچار و به علت وجود نداشتن جانشین مناسب برپسیده شد. همواره تصویری مردم‌پسند، اظهارات نجفی، سمیعی و دانشور درباره سیاح از آن اغراق‌هایی است که دانشجویان درباره استادان‌شان طرح می‌کنند اما با خواندن مجموعه مقالات او دریافتیم که کاملاً در اشتباه بوده‌ام.



رکوردشکنی نقاشی هری پاتر

نقاشی آبرنگ چاپ اول کتاب «هری پاتر و سنگ جادو» نوشته جی کی رولینگ در حراجی به فروش رکوردشکنی دست یافت و در نیویورک ۱.۹ میلیون دلار فروخته شد. حراجی ساتی اعلام کرد این نقاشی با ارزش‌ترین کالای مرتبط با مجموعه هری پاتر است که تا به حال در این حراجی فروخته شده است. این نقاشی سال ۱۹۹۷ از توماس تیلور ۲۳ ساله روی جلد کتاب منتشر شد.

در اهمیت فرهنگ

دیوید رز در فرهنگ به مثابه توسعه نقش تعیین کننده و زیربنایی فرهنگ در توسعه جوامع را تبیین می‌کند



درصد کمی از مناظرها و میزگردهای انتخابات ریاست جمهوری به موضوعات و سیاست‌گذاری‌های فرهنگی اختصاص یافته بود و کاندیداها هم همین بخش کم را بیشتر به بیان نظرات و یا وعده‌های‌شان درباره مسائل و معضلات اجتماعی اختصاص می‌دادند. این بی‌توجهی و غفلت نمایانگر آن است که اغلب کاندیداها درک دقیق و درستی از موضوعات و مسائل فرهنگی ندارند. حال آن‌که ریشه و عامل بسیاری از نابسامانی‌ها و اختلالات و مشکلات سیاسی، اجتماعی و اقتصادی به فرهنگ بازمی‌گردد.

دیوید رز، استاد اقتصاد دانشگاه میسوری آمریکا که حوزه اصلی مطالعات و پژوهش‌هایش، اقتصاد رفتاری است در کتاب «فرهنگ به مثابه توسعه» از نقش بسیار تأثیرگذار فرهنگ بر توسعه سخن می‌گوید و این که باورهای فرهنگی به خصوص باورهای اخلاقی و نهادینه شدن آن‌ها در ذهن فرد از دوران کودکی چقدر می‌توانند، اعتماد را در جامعه بسازد و به رشد و شکوفایی همه‌جانبه جامعه بینجامند. متن اصلی کتاب «فرهنگ به مثابه توسعه» اولین بار در سال ۲۰۱۸ منتشر و نگاه ترجمه و نشر کتاب پارسه به تازگی آن را با ترجمه محمدرضا فرهادی‌پور منتشر کرده است.

دیوید رز در پیش‌گفتار کتابش معتقد است در این که تعداد محدودی از کشورها جای مطلوب برای زندگی، کار و پیشرفت است، تقریباً اتفاق نظر وجود دارد اما در این که چه عاملی باعث می‌شود برخی کشورها از سایرین جا بمانند و توسعه نیابند نظرها متفاوت است. برخی از جبر جغرافیایی سخن می‌گویند و برخی از ژنتیک، عده‌ای استعمار را مقصر می‌دانند و گروهی هم رهبران سیاسی را. او در کتاب «فرهنگ به مثابه توسعه» توسعه را از رهگذر تفاوت‌های فرهنگی بررسی کرده و تمرکز و تأکید خود را بر نقش «فرهنگ» در توسعه گذارده است؛ این که تفاوت و فاصله میان کشورها بیش از هر چیز ناشی از تفاوت‌های فرهنگی است. رز در این کتاب توضیح می‌دهد چرا فرهنگ مهم است و در این زمینه نظریه جدیدی مطرح می‌کند که فرهنگ چگونه کار می‌کند تا زندگی خوبی را تقریباً برای هر کسی ممکن سازد.

دیوید رز در «فرهنگ به مثابه توسعه» نظریه‌ای را درباره چرایی اهمیت فرهنگ و نقش تعیین‌کننده آن در رشد جوامع مطرح می‌کند که توضیح می‌دهد چرا موفقیت همه‌جانبه جوامع نه وابسته به ژنتیک، جغرافیا، نهادها و سیاست‌گذاری‌ها و چگونگی مدیریت و رهبری جامعه بلکه وابسته به فرهنگ است و این فرهنگ و باورهای اخلاقی برآمده از آن است که موفقیت جوامع را رقم می‌زند.

پیوند فرهنگ با عقلانیت، ایجاد و تقویت اعتماد اجتماعی از طریق فرهنگ و اهمیت هم‌سو دانستن خیر شخصی با خیر عمومی در پیشرفت و موفقیت و توسعه جامعه از موضوعات مهمی هستند که در کتاب «فرهنگ به مثابه توسعه» از آن‌ها سخن می‌رود. رز در کتابش بر آن است که نشان دهد، فرهنگ از طریق چه مکانیسمی بر جوامع اثر می‌گذارد و چگونه نقشی تعیین‌کننده و زیربنایی در توسعه جوامع ایفا می‌کند. «فرهنگ به مثابه توسعه» هم‌چنین از این موضوع بحث می‌کند که فرهنگ چگونه می‌تواند، جوامع موفق را از تزلزل و افول بازدارد و موفقیت چنین جوامعی را تثبیت و دوام بخشد. در این کتاب دلیل موفق نشدن بعضی جوامع و نیز دلیل آفت و افول بعضی جوامع موفق با اتکا به نظریه مبتنی بر نقش تعیین‌کننده فرهنگ در رشد و افول جوامع توضیح داده شده است. کتاب «فرهنگ به مثابه توسعه» نشان می‌دهد که فرهنگ چگونه می‌تواند اعتماد را در جامعه به‌وجود آورد، عقلانیت را بر تصمیم‌گیری‌ها

حاکم کند، این باور را در افراد ایجاد کند که خیر شخصی‌شان در گرو خیر عمومی است نه در فرصت‌طلبی‌های فردی و نیز از اقتصاد بازار آزاد به‌نحوی مطلوب پشتیبانی و اعتماد به آن را تقویت کند و جلو آسیب‌هایی که این نظام اقتصادی ممکن است پدید آورد را بگیرد.

دیوید رز در کتاب «فرهنگ به مثابه توسعه» تأکید می‌کند که برای ساختن جامعه‌ای موفق، لازم است که باورهای اخلاقی از کودکی و از طریق فرهنگ به افراد منتقل شود و این انتقال، نسل‌به‌نسل صورت گیرد تا از طریق این باورها جامعه‌ای اعتمادزا پدید آید؛ جامعه‌ای که خیر خود را در خیر همه جوامع ببیند. چنان‌که در کتاب توضیح داده شده، تحقق چنین جامعه‌ای مستلزم انتقال فرهنگی است که اعتماد پدید می‌آورد و همین اعتماد به دست آمده از رهگذار فرهنگ و باورهای اخلاقی است که رفاه و توسعه اجتماعی و اقتصادی را در جامعه ایجاد می‌کند.

کتاب «فرهنگ به مثابه توسعه» از پیش‌گفتار، پیش‌درآمد، مقدمه‌ای با عنوان «چرا فرهنگ بیشترین اهمیت را دارد؟»، دو بخش به نام‌های «چگونه فرهنگ کار می‌کند» و «ملاحظات» در باب دموکراسی بازار آزاد» و یک بخش نتیجه‌گیری تشکیل شده است.

در این کتاب روشن‌گر، رز استدلال قانع‌کننده‌ای را ارائه می‌کند که از مرزهای سنتی فراتر می‌رود و ادعا می‌کند که

درک پویایی‌های فرهنگی در پیمایش پیچیدگی‌های دنیای به‌هم پیوسته ما مهم است. این کتاب برای خواننده‌ای طراحی شده است که قدرت دگرگون‌کننده فرهنگ را می‌شناسد و به‌دنبال درک تأثیر ظریف آن در شکل‌دهی به سیر تاریخ و جامعه معاصر است. رز، یک محقق برجسته، در لایه‌های چند وجهی فرهنگ می‌کاود و نقش آن را در شکل‌دهی به باورها، ارزش‌ها و رفتارها در تمدن‌های مختلف بررسی می‌کند. از هنر تا اقتصاد و از سیاست تا فناوری، او نشان می‌دهد چگونه فرهنگ به‌عنوان جریان پنهانی که تلاش‌های انسان را شکل می‌دهد و جوهر وجود جمعی ما را تعریف می‌کند، عمل می‌کند. برای خواننده کنجکاو فکری که خواهان کاوش جامع نیروهای فرهنگی است که جوامع را شکل می‌دهند، «فرهنگ به مثابه توسعه» منبعی ارزشمند است. رز خواننده را از طریق یک سفر فریبنده راهنمایی می‌کند و از نمونه‌های تاریخی و مشاهدات معاصر استفاده می‌کند تا تعامل پیچیده بین فرهنگ و توسعه اجتماعی را برجسته کند. چه دانشجوی انسان‌شناسی، چه یک علاقه‌مند به فرهنگ، یا سیاست‌گذار و متولی موضوعات فرهنگی باشید، این کتاب لنز قانع‌کننده‌ای را ارائه می‌کند که از طریق آن می‌توانید، پیچیدگی‌های تعامل انسانی را مشاهده کنید.

چیزی که این کتاب را متمایز می‌کند، رویکرد میان‌رشته‌ای آن است که به‌طور یک‌پارچه بینش‌هایی از انسان‌شناسی، جامعه‌شناسی، اقتصاد و تاریخ را یافته می‌کند. اثر رز قابل دسترس و در عین حال عمیق است و نظریه‌ها و مفاهیم پیچیده فرهنگی را در دسترس خوانندگان گسترده قرار می‌دهد. او با بررسی مطالعات موردی از گوشه‌های مختلف جهان، خوانندگان را دعوت می‌کند تا غنا و تنوع فرهنگ بشری را درک کنند و در عین حال تأثیر جهانی آن را در شکل‌دهی به تجربه مشترک انسانی ما روشن کند. «فرهنگ به مثابه توسعه» به‌عنوان چراغ راه کسانی است که مشتاق کشف اهمیت عمیق فرهنگ در دنیای جهانی‌شده کنونی هستند. کار رز گواهی بر این ایده است که آگاهی فرهنگی صرفاً یک کار آکادمیک نیست بلکه ابزاری حیاتی برای پیمایش در دنیایی است که به‌طور فزاینده‌ای به‌هم پیوسته و وابسته به یکدیگر است. دیوید رز در کتابش می‌کوشد، توضیح دهد چرا فرهنگ بیش از هر چیز دیگری، موفقیت متفاوت جوامعی را تبیین می‌کند که انسان‌ها در پی ساختن‌شان بودند. او معتقد است، فرهنگ اعتمادزا بهترین شانس ما برای حفظ جوامع با اعتماد بالاست که در عین حال تشکیل چنین جوامعی را هم ممکن می‌سازد.



فرهنگ به مثابه توسعه

دیوید رز
ترجمه محمدرضا فرهادی‌پور
کتاب پارسه / ۲۷۲ صفحه / ۲۲۰۰۰۰ تومان



محکومیت رئیس سینمای فرانسه

«دومینیک بوتونات»، رئیس مرکز ملی سینما و تصویر متحرک فرانسه (CNC)، پس از محکومیت به تجاوز جنسی به پسرخواندهاش در سال ۲۰۲۰، به سه سال زندان از جمله دو سال محکومیت تعلیق محکوم شد و باید یک سال از مدت محکومیت خود را با دستبند الکترونیکی در خانه سپری کند و به مدت سه سال نیز از هرگونه تماس با قربانی منع شد.



همکاری دوباره دوستان قدیمی

مت دیومن و بن افلک دو دوست صمیمی هالیوود، در یک همکاری مشترک تازه، در یک فیلم سینمایی جدید ظاهر می‌شوند. این فیلم با نام مختصر «شکاف» و حال و هوایی جنایتکارانه جلوی دوربین می‌رود. جو کارناهان، فیلمساز باسابقه سینما این دو بازیگر و همکار را در تجربه مشترک تازهشان کارگردانی خواهد کرد. این فیلمساز سابقه خوبی در ساخت درام‌های جنایتکارانه دارد.



آغاز فصل دوم مدیر شب

فصل دوم سریال اکشن معمایی «مدیر شب» با همان ترکیب بازیگران فصل اول، وارد مرحله تولید می‌شود. تهیه‌کنندگان این مجموعه دلهره‌آور در شبکه بی‌بی‌سی چراغ سبز تولید را صادر کردند. با توجه به پایان فاز اول و ناتمام ماندن داستان چند کاراکتر مهم و عمده آن، می‌توان پیش‌بینی کرد که فصل دوم به دنبال تعریف ماجراجویی‌های تعدادی از آنان خواهد رفت.

گزارش تئاتر

تابستان گرم تئاتر

چهره‌های شاخص بازیگری در تئاتر حضور فعالی دارند

هفته دوم تابستان درحالی در تئاتر آغاز می‌شود که چهره‌های شناخته شده یا روی صحنه‌اند، یا اینکه در پشت صحنه به حمایت از گروه‌ها می‌پردازند.

با شروع پروژه نمایش موسیقایی «۳۰۰»، نوید محمدزاده، بهرام رادان و بهرام افشاری، بازیگران شاخص هستند که از این هفته در مجموعه سعدآباد روی صحنه می‌روند. همچنین گفته شده گوهر خیراندیش، دیگر بازیگری است که به این پروژه پیوسته است. پروژه «۳۰۰» به‌عنوان کاری از سهراب پورناظری در شرایطی پیش‌فروش بلیت خود را آغاز کرد که نام کارگردان آن مشخص نشده بود. پیش‌تر پروژه دیگری با همین نام و با حضور سهراب پورناظری اجرا شد که کارگردانی آن را امیر جدیدی بر عهده داشت. در هر دو پروژه علی نصیریان به صورت تصویری حضور داشت و دارد. «۳۰۰» هر شب ساعت ۲۱ در مجموعه سعدآباد روی صحنه می‌رود. همچنین رامبد جوان که گاهی هم دست به ساخت فیلم با همکاری با تئاتر می‌زند، به‌عنوان تهیه‌کننده در اجرای نمایش تازه عاطفه تهرانی حضور دارد. جوان در یکی دهه اخیر گاهی در تئاتر به ایفای نقش پرداخته که نمونه آن بازی در نمایش‌های «کالیگولا» به کارگردانی همایون غنی‌زاده و «دیوار چهارم» کار امیررضا کوهستانی است. و علاوه بر این گاهی به‌عنوان تهیه‌کننده در کنار گروه‌های جوان نمایشی قرار می‌گیرد. نمایش «شلوار جین آبی» یکی از آثاری بود که سال‌های پیش با تهیه‌کنندگی او روی صحنه رفت و حالا هم به‌عنوان تهیه‌کننده در اجرای نمایش «مختصر گزارشی از یک تسوری» حضور دارد. نمایشی که عاطفه تهرانی، طراح و مدرس حرکت، خود کارگردانی آن را بر عهده دارد. این نمایش از دهم تا ۲۲ تیر ساعت ۱۹ و ۳۰ دقیقه در خانه داروی صحنه می‌رود. باغ کتاب نیز این روزها همچنان میزبان صابر ابر است که نمایش «امشب به صرف بورش و خون» را در سالن بلک باکس پردیس موسیقی و تئاتر این مجموعه روی صحنه می‌برد. ابر، خود کارگردان و بازیگر این تک‌گویی نمایشی است که داستان آن از رمان «تازنین» داستایوفسکی و توسط مهدی یزدانی خرم اقتباس شده است. او این نمایش را با همراهی فاطمه تقوی، بازیگر با سابقه تئاتر روی صحنه می‌برد. نمایش «امشب...» هر شب در دو نوبت ۱۹ و ۲۱ و به مدت یک ساعت اجرا می‌شود.

ستاره پسیانی، کاظم سیاحی و مجتبی پیرزاده دیگر بازیگران شناخته شده تئاتر در نمایش «نکت» ساعت ۲۰ و ۳۰ و به مدت ۱۰۰ دقیقه در تالار دکتر ناظرزاده کرمانی تماشاخانه ایرانشهر روی صحنه می‌روند. امیرحسین فتحی دیگر بازیگر جوان هم در تماشاخانه ملک روی صحنه است. او مشغول بازی در نمایش «نیوجرسی» به کارگردانی سعید دشتی است که هر شب ساعت ۲۱ و ۳۰ و به مدت ۷۰ دقیقه اجرا می‌شود. تالار حافظ هم این روزها میزبان کنسرت نمایش «صخره‌ای در میان رودخانه» است که خسرو پسیانی و دیبا زاهدی در آن به ایفای نقش می‌پردازند. این اثر نمایشی موسیقایی با کارگردانی رضا موسوی هر شب در دو نوبت ۱۸ و ۳۰ و ۲۰ و ۳۰ دقیقه به صحنه می‌رود. سرروش کریمی‌نژاد، دیگر بازیگر این اثر نمایشی است. همچنین بهاره رهنما هم این روزها با نمایش «میدان باقوت» به کارگردانی و نویسندگی خودش در فضای باغ فرهنگسرای نیاوران حضور دارد و «المحدرضا آزادفرد» نیز دیگر بازیگر این اثر نمایشی است که هر شب ساعت ۱۹ اجرا می‌شود. امیرمهدی ژوله و الیکا عبدالرزاقی دیگر بازیگران مشهوری هستند که این روزها با نمایش «این دنیا به کنسرت ریگی مارتین به من بدهکاره» که نویسندگی و کارگردانی سهند خیرآبادی روی صحنه هستند.

وحید آقاپور و مریم داندنده، زوج بازیگر نیز این روزها در نمایش «اسی و یک رویا» به ایفای نقش می‌پردازند؛ نمایشی به کارگردانی جواد مولانیا که در سالن ملک روی صحنه می‌رود. هومن کیایی و نورا هاشمی دیگر بازیگران شناخته شده این اثر نمایشی هستند که هر شب ساعت ۱۸ و به مدت ۸۵ دقیقه اجرا می‌شود. امیر غفارمنش در نمایش «سینگل» به کارگردانی مجتبی شفیع به ایفای نقش می‌پردازد. سیروس همتی و ایوب آقاخانی دیگر بازیگران شناخته شده تئاتر هستند که این روزها با نمایش «او و جان من است» به کارگردانی حمید حرار در تالار وحدت روی صحنه‌اند. این اثر نمایشی هر شب ساعت ۱۸ و به مدت یک ساعت و ۵۰ دقیقه اجرا می‌شود.



حتی اگر رفت‌وآمدی هم به ستادها داشته باشند و در خفا و پنهانی است و ترجیح می‌دهند کسی از آن باخبر نشوند. به همین خاطر است که نامزدها ظرفیت بالای تبلیغاتی را از دست دادند. چراکه چهره‌ها و هنرمندان بیش از اهالی سیاست و حتی دانشگاهیان قدرت تاثیرگذاری بر مردم دارند و می‌توانند بسیاری را به رای دادن تشویق و با حمایت از یک نامزد باعث افزایش رای‌های او شوند.

آنها به‌خصوص در این دوره سرخورده‌تر از همیشه بودند. بسیاری از آنها طعم بازیگری، زندان و حکم‌های قضایی را چشیده‌اند، آن هم نه به خاطر ارتکاب جرم، بلکه برای اظهارنظرهایی که در فضای مجازی داشتند. در دوره قبل که رفتارشان نشان داد، نامزد مطلوب خود را در میان تایید صلاحیت‌شده‌ها نمی‌بینند و در این دوره اقتدر چشم‌شان ترسیده و مورد بازخواست قرار گرفته‌اند که حاضر نشدند، یا به میدان بگذارند و حتی دوستداران خود را به حضور در انتخابات تشویق کنند. برخی از آنها مانند فرهاد توحیدی، فیلمنامه‌نویس در همایش انتخاباتی اهالی فرهنگ و هنر با حضور مسعود پزیشکیان به‌صراحت اعلام کرد که نماینده هیچ هنرمندی نیست.

واقعیت این است که در این سال‌های اخیر هنرمندان به واسطه احکامی که برایشان از سوی نهادهای قضایی و انتظامی رقم خورده، اقتدر زخم‌خورده یا سرخورده شده‌اند که عطای هر نوع فعالیت سیاسی را به لولایش بخشیدند و دیگر حاضر نیستند، یا در این میدان بگذارند. آنچه که از شنیده‌ها برمی‌آید، تعدادی از آنان در انتخابات هم مشارکت کردند اما از ترس واکنش مردم و تبعات بعدی این فعالیت خود را به طور پنهانی انجام دادند. مستندهای تبلیغاتی هم که بیشتر توسط مستندسازان ساخته شد و کمتر چهره شناخته‌شده‌ای دست به ساخت این فیلم‌ها زد.

همه اینها نتیجه برخوردهایی است که در این چند ساله اخیر با هنرمندان صورت گرفته و آنها را از فعالیت انتخاباتی مطرود و پشیمان کرده و فرصت و ظرفیت بالای تبلیغاتی را از نامزدها گرفته است. تصور کنید، اگر تنها نیمی از اسامی که سال ۱۳۹۲ به حمایت از حسن روحانی پرداختند از یکی از نامزدهای این دوره حمایت می‌کردند، درصد مشارکت مردم چقدر با حالا تفاوت می‌کرد و کمپین تبلیغاتی این نامزد چقدر موفق می‌بود؟ اینها پرسش‌هایی است، پاسخ‌های روشن و صریح است اما فعلاً و در وضعیت موجود نمی‌توان چاره‌ای برای بیرون‌رفت از این شرایط پیدا کرد.

مشخص معترض می‌شدند که البته تعداد چنین افرادی به اندازه انگشتان دو دست هم نمی‌رسید. اما مهم این بود که لیست‌هایی از نام هنرمندان در حمایت از نامزدهای ریاست جمهوری منتشر می‌شد که بسیاری از آنها هیچ ابایی از مطرح شدن نام خود به‌عنوان حامی یکی از نامزدها نداشتند و حتی به این کار افتخار می‌کردند. در آن دوران هنوز خبری از اینستاگرام و شبکه‌های اجتماعی به شکل امروز نبود. رسانه‌های رسمی و خبرگزاری‌ها و روزنامه‌ها نقش اصلی را در اطلاع‌رسانی بر عهده داشتند و این فهرست‌ها و اسامی در این رسانه‌ها جا می‌گرفتند. این اعلام حمایت‌های تنها محدود به درج اسامی در لیست‌ها نبود. هنرمندانی که به پای صندوق‌های رای می‌رفتند، توسط عکاسان خبرگزاری‌ها و جراید حضورشان ثبت شده و این تصاویر در این رسانه‌ها منتشر و دست‌به‌دست می‌شد.

همه اینها علاوه بر این بود که تعدادی از هنرمندان هم برای ساخت فیلم‌های تبلیغاتی به ریزینی با ستادهای انتخاباتی می‌پرداختند. ساخت مستند امتیاز و ارزش زیادی برای تعدادی از فیلمسازان داشت و آنها از تایید صلاحیت شدن نامزدها با رفت‌وآمد به ستاد آنها برای ساخت مستندهای تبلیغاتی اعلام آمادگی می‌کردند.

سیف‌الله داد، رخشان بنی‌اعتماد، رسول صدراعظمی، احمدرضا درویش، مجید مجیدی، کمال تبریزی، بهروز افخمی، جمال شورجه، رسول ملاقلی‌پور، مهدی فخیم‌زاده، جواد شمقدری، مرحوم علی معلم، بهروز شعبی، مجید برزگر، محمدحسین لطیفی و... تنها تعدادی از فیلمسازان هستند که برای نامزدها مستندسازی کردند. نام این افراد پیش از اینکه مستندها ساخته شوند، اعلام می‌شد و اصلاً یکی از دلایل کنجکاوی و اشتیاق تماشاگران برای دیدن این مستندها نام فیلمسازی بود که کارگردانی آن را بر عهده داشت و ستادهای انتخاباتی بخشی از تبلیغات خود را بر نام این کارگردانان مصروف می‌کردند.

اما حالا دو دوره است که دیگر هیچ خبری از این حمایت‌ها و پیگیری‌ها نیست. با وجود شبکه‌های اجتماعی گسترده، هنرمندان حاضر نشدند در این دوره‌ها به حمایت از نامزد خاصی بپردازند. در واقع پس از پایان ریاست جمهوری حسن روحانی هنرمندان روی خوش به انتخابات ریاست جمهوری و دیگر رای‌گیری‌ها نشان نمی‌دهند و ترجیح می‌دهند، رای‌شان را یا برای خود نگاه دارند یا اینکه اصلاً رای ندهند. آنها دیگر نه مردم را تشویق به شرکت در انتخابات می‌کنند و نه اشتیاقی برای کارگردانی مستندها یا اصلاً حضور در ستادها دارند.

قهر هنرمندان با صندوق

انتخابات و نامزدها از ظرفیت بالای تبلیغاتی هنرمندان محروم شده‌اند

رفتار هنرمندان در این دوره از انتخابات ریاست جمهوری قابل پیش‌بینی و مورد انتظار بود. در هر دوره از انتخابات به‌خصوص پیش از دوره سیزدهم، هنرمندان نقش فعالی در انتخابات ریاست جمهوری ایفا می‌کردند. تقریباً یک یا دو هفته پیش از رای‌گیری لیست‌های مختلف در حمایت از نامزدها منتشر می‌شد که نام گروهی از هنرمندان در این لیست‌ها به چشم می‌خورد. اصلاً حمایت هنرمندان به‌خصوص چهره‌های شناخته شده از یک نامزد امتیازی برای او به حساب می‌آمد. کارگردانان، نویسندگان، بازیگران و دیگر فعالان در رشته‌های مختلف هنری از جمله سینما، تئاتر، هنرهای تجسمی، ادبیات و حتی هنرهای دستی به حمایت یک چهره انتخاباتی می‌پرداختند و نام خود را به طور شفاف و روشن در میان لیست‌ها قرار داده و به‌صراحت از نامزد خود حمایت می‌کردند. در دورانی که سیدمحمد خاتمی به ریاست جمهوری رسید، این حمایت‌ها در اوج خود بود و خانه سینما و موسیقی و تئاتر هم بی‌محایا وارد معرکه می‌شدند و با انتشار بیانیه‌هایی به حمایت از او پرداختند. تعداد زیادی از هنرمندان هم در دوره اول ریاست جمهوری خاتمی و هم در دوره دوم، او را نامزد اصلاح قلمداد کرده و به‌صراحت به دفاع از او پرداختند. این حمایت‌ها تنها محدود به او نمی‌شد، در دوره‌های بعدی هم این حمایت‌ها از نامزدهایی که متمایل به جناح خاتمی بودند و به نحوی نزدیک به او به حساب می‌آمدند، تکرار شد. پس از دو دوره دولت اصلاحات، بیشتر هنرمندان از هاشمی‌رفسنجانی در مقابل محمود احمدی‌نژاد و پس از او از حسن روحانی حمایت می‌کردند. در لیست‌های هنرمندان حامی این نامزدها، نام تعداد زیادی از هنرمندان به چشم می‌خورد و در جناح مقابل در بزرگراه انتخابات ریاست جمهوری گروه معدودی از آنها به حمایت از محمود احمدی‌نژاد یا محمدباقر قالیباف یا ابراهیم رئیسی پرداختند که بیشتر آنها از اعضای هیات اسلامی هنرمندان با تکی چند از چهره‌های شناخته شده بودند.

در سال ۱۳۹۶ بیش از ۲۰۰ هنرمند به شکل رسمی از حسن روحانی حمایت کردند که در آن میان اسامی افرادی، چون اصغر فرهادی، رخشان بنی‌اعتماد، کیانوش عیاری، فاطمه معتمدآریا، شهاب حسینی، ترانه علیدوستی، باران کوثری، جمشید مشایخی، ویشکا آسایش، حمید فرخ‌نژاد، هنگامه قاضیانی، پگاه آهنگرانی، نوید محمدزاده، سعید روستایی، رضا عطاران، سرروش صحت، مرحوم حسین زمان، محسن تابنده و... به چشم می‌خورد.

ابوالقاسم طالبی، نادر طالب‌زاده، علیرضا قزوه، انسیه شاه‌حسینی، جمال شورجه و محسن علی‌اکبری از جمله هنرمندانی بودند که حمایت خود را از مرحوم ابراهیم رئیسی اعلام کردند. از محمدباقر قالیباف هم محمود رضوی (تهیه‌کننده سینما) اعلام حمایت کرد.

تمام هنرمندان تمام‌قد بر سر مواضع و انتخاب خود ایستادند و در شبکه‌های اجتماعی هم از هرگونه حمایت و تبلیغی دریغ نکردند و اتفاقاً یکی از دلایل گرم شدن فضای انتخاباتی آن سال بودند و در نهایت مشارکت بیش از ۷۳ درصد هم رقم خورد. خیرگزاری‌های طیف چپ و راست در آن دوره که تقسیم‌بندی مشخص‌تری از حالا داشتند، عطش زیادی برای انتشار لیست هنرمندان حامی نامزدهای خود داشتند. حتی برخی از آنها با ارتباط برقرار کردن با هنرمندان نظر آنها را از نامزدی خاص جویا می‌شدند و نامشان را در لیست‌های حامی آن نامزد می‌آوردند. درصد کمی از این لیست‌ها تغییراتی داشتند، چراکه برخی از هنرمندان، پیش از انتخابات حمایت خود را پس می‌گرفتند و به آوردن نام خود در این لیست‌های



دیدگاه: تحلیل اقتصادی

ضد خود

چرا سیاست‌های حمایتی علیه خود عمل می‌کند؟

مهرداد مهدویان
اقتصاددان

تحریم‌های اقتصادی عواقب زیان‌باری دارند اما نتایج سیاست‌های محدودکننده‌ای که به بهانه مبارزه با تحریم‌ها اعمال می‌شوند از تحریم‌ها هم بدترند. جامعه ایران میان این دو عامل فشار گرفتار شده و تاوان سختی بابت از بین رفتن زمینه‌های تجارت آزاد می‌پردازد.

به طور مشخص از زمانی که آمریکا برجام را از حیز انتفاع خارج کرد، دولت وقت تصمیم گرفت با هدف مدیریت منابع ارزی و حمایت از تولید داخل، واردات برخی کالا را ممنوع کند. اکنون که پنج سال از این تصمیم اشتباه می‌گذرد، ارزیابی اقتصاددانان این است که قاچاق کالاهای ممنوعه دست‌کم ۲۰ درصد افزایش یافته است. همه این‌ها به این دلیل است که در کشور ما از مزایای تجارت آزاد چشم‌پوشی می‌شود.

هیچ کشوری تمام منابع و امکانات لازم برای تامین نیازهای خود را ندارد. از این‌رو کشورها از طریق تخصص در تولید کالاها و خدماتی که در آن مزیت نسبی دارند و تبادل آن کالاها و خدمات با کالاها و خدمات سایر کشورها، سطح رفاه خود را ارتقا می‌دهند. با این حال برخی از کشورها سیاست‌های حمایتی از قبیل سیاست جایگزینی واردات یا محدودیت واردات را اعمال می‌کنند. به‌خصوص کالاهای استراتژیک که واردات آنها با تضعیف تولید داخل، امنیت اقتصادی را تهدید می‌کند. از این دست اعمال محدودیت‌ها بین شرکای تجاری که رقیب اقتصادی یکدیگر هستند مانند ایالات‌متحده و چین بسیار زیاد مشاهده می‌شود. به‌عنوان مثال، دولت آمریکا تاکنون بر کالاهای چینی از جمله محصولات پیشرفته فناوری، تعرفه‌های سنگینی اعمال کرده است. چین نیز در پاسخ، تعرفه‌های تلافی‌جویانه‌ای با ارزش معادل بر محصولات آمریکایی وضع کرده است. در همین راستا سازمان تجارت جهانی (WTO) توانیستی را در این مورد وضع کرده و بر کشورهای عضو این سازمان نظارت دارد تا کشورها با اجرای یک‌جانبه محدودیت‌های وارداتی خارج از چارچوب سازمان WTO نظام تجارت جهانی را به خطر نیندازند. با وجود این، اعمال محدودیت‌های واردات تیغ دو لبه است. ممنوعیت واردات همیشه کارکرد حمایت‌گرانه از صنایع داخلی ندارد و ممکن است، نتیجه معکوس داشته باشد و بر اقتصاد و اشتغال کشورها تاثیر منفی بگذارد. بررسی تاریخچه محدودیت‌های واردات کشورهای نشان می‌دهد که همواره این سیاست، سیاست مناسبی نبوده است. به‌عنوان مثال، محدودیت واردات فولاد از سوی ایالات‌متحده در دهه ۱۹۶۰ به تولیدکنندگان فولاد آمریکایی ضربه جبران‌ناپذیری وارد کرد. تولیدکنندگان فولاد آمریکا به دلیل موقعیت قوی خود در بازار، توانایی زیادی در کنترل قیمت‌ها داشتند. در اوایل دهه ۱۹۶۰ انتقال هر گونه افزایش هزینه به قیمت‌ها بسیار آسان بود بنابراین افزایش دستمزد کارکنان مشکل چندانی ایجاد نمی‌کرد. با این حال، در همان زمان، آنها در حال از دست دادن مزیت رقابتی خود بودند و در سرمایه‌گذاری در تاسیسات ریخته‌گری و توسعه فناوری از رقبای خارجی خود عقب می‌مانند. این امر به افزایش قیمت‌های داخلی فولاد و افزایش واردات منجر شد. در ایران نیز با هدف حمایت از صنایع داخلی، سیاست ممنوعیت واردات پس از اعمال تحریم‌های شدید در سال ۱۳۹۷ شدت بیشتری گرفت. اقلانی که بر اساس مقررات جدید در گروه کالاهای ممنوعه قرار گرفت شامل ۱۳۳۹ ردیف تعرفه ۸ رقمی بودند که تولید مشابه داخلی داشتند زیرا یکی از اهداف این سیاست، حمایت از تولید داخلی و افزایش اشتغال بود. در سال‌های ۱۳۹۸ تا ۱۴۰۱ تعداد کالاهای مشمول منع واردات به ترتیب به ۱۵۱۹، ۱۵۳۹، ۱۵۳۷ و ۱۵۵۰ ردیف تعرفه افزایش یافت. به تفسیر قانون‌گذاران، برخی از اقلام ممنوع شده، لوکس یا غیر ضروری قلمداد شده بودند و واردات آنها ممنوع شد. دولت برای حمایت از کالاهای ضروری نیز اقدامات و سیاست‌های مختلفی در پیش گرفت که هر کدام اثرات جانبی خاصی به همراه داشت. از جمله سیاست تعیین ارز ۴۲۰۰ تومانی و ممنوعیت خرید و فروش ارز در قیمت‌های متفاوت که به دلیل آثار منفی متعدد و بروز فساد زیاد، در سال ۱۴۰۱ این سیاست‌ها کنار گذاشته شدند. به‌علاوه بررسی‌های صورت‌گرفته از آثار ممنوعیت واردات بر اقتصاد ایران در ابعاد مختلف مانند تولید، تجارت، قاچاق، اشتغال، بازار ارز، قیمت‌ها و در نهایت رفاه مصرف‌کننده نشان می‌دهد که این سیاست برای اقتصاد ایران مثبت نبوده است. طبق نتایج مطالعه شرکت رهنما، قیمت کالاهای تولید داخلی به‌طور خاص کالاهای تولید داخل در رسته‌های ممنوعه مانند لوازم خانگی بیش از شاخص عمومی قیمت‌ها (تورم) و حتی قیمت ارز رشد یافته است.

بازدهی بورس

میانگین بازدهی بازار سهام در سه ماه گذشته، اندکی بیشتر از ۳ درصد بوده است. یکی از مهم‌ترین مسائلی که بر وضعیت شرکت‌های مختلف بورسی سایه افکنده و سبب شده درآمد و متعاقباً سود شرکت‌ها از جهات مختلف در معرض تهدید قرار بگیرد، مساله تحریم است. برخی ادعا می‌کنند که اگر معادلات سیاسی در جریان انتخابات فعلی به نفع بورس رقم بخورد، شاهد رشد بورس تهران در ماه‌های آتی هستیم.

قیمت دلار

قیمت دلار واکنش خاصی به این انتخابات نشان نداده و در محدوده ۶۱ هزار و ۲۵۰ تومان معامله شد. البته ثبات قیمت دلار در شرایطی است که نرخ حواله درهم، آرایش نزولی به خود گرفته و با فاصله منفی بازگشایی شده است. قیمت درهم امارات در جریان فعالیت در روز ۱۶ هزار و ۶۷۰ تومان راهی بازار شد و روی ۱۶ هزار و ۶۳۰ تومان قرار گرفت که ۱۲۰ تومان نوسان کاهشی را ثبت کرده است.

قیمت سکه

قیمت طلا ۱۸ عبار دیروز با ۳ میلیون و ۴۷۵ هزار تومان به فروش رسید و این در حالی است که در روز قبل با ۳ میلیون و ۴۹۸ هزار تومان بسته شده بود. قیمت سکه امامی هم که هفته گذشته با رشد تقریباً یک میلیون تومانی تا ۴۲ میلیون و ۵۵۰ هزار تومان معامله شده بود دیروز تا ۴۲ میلیون و ۲۰۰ هزار تومان پایین آمد و حدود ۴۲ میلیون و ۳۵۰ هزار تومان قیمت‌گذاری شد.

تیشه به اعتماد

چرا فساد در نظام اداری ایران ریشه دوانده است؟

سعید خوش‌بین
فهرنگار سازندگی

یکی از عواملی که بدترین ضربه را به اعتماد جوانان می‌زند، تشدید فساد در نظام اداری است. اقتصاددانان نشان داده‌اند که ترکیب فساد سیاسی و جمعیت جوان، نقش کلیدی در افزایش ریسک بی‌ثباتی سیاسی و خشونت دارد. نتایج این تحقیق با بررسی آمار بیش از ۱۰۰ کشور این فرضیه را تأیید می‌کند. فساد و سوء استفاده از قدرت هم دو خیانت بزرگ به اعتمادند. وقتی کسانی که در مناصب قدرت هستند (از مقامات دولتی گرفته تا مدیران شرکت‌ها همچنین چهره‌ها) از قدرت خود سوء استفاده می‌کنند، درگیر فساد می‌شوند یا از اجرای قانون سر باز می‌زنند، اعتماد عمومی به نهادها را تضعیف می‌کنند. بی‌ثباتی و نابرابری اقتصادی را هم می‌تواند در میان عوامل زوال اعتماد بیاید. رکود، بیکاری بالا و شکاف روبه افزایش ثروت هم می‌تواند احساس ناامنی و ناراضیاتی ایجاد کند و در نهایت به کاهش اعتماد به سیستم‌ها و نهادهای مختلف منجر شود.

فساد ابعاد مختلفی دارد، فساد جزئی یا خرد که منافع کمی برای اشخاصی محدود ایجاد می‌کند، فساد کلان یا بزرگ که در ابعاد دولت رخ می‌دهد. فسادی که در ساختارهای یک جامعه رخنه کرده و به صورت نظام‌مند روی زندگی روزمره مردم تاثیر می‌گذارد. این نوع از فساد شاید بدترین فساد باشد که یک جامعه با آن می‌تواند درگیر شود. بدیهی است در جامعه‌ای که فساد در آن نهادینه شده باشد، همه افشار درگیر خواهند شد و منافع افرادی قلیل نسبت به منافع اکثریت جامعه ترجیح داده می‌شود. در چنین جامعه‌ای سرمایه‌گذاری و کارآفرینی، معنای خود را از دست می‌دهد چراکه دیگر انگیزه‌ای برای فعالیت اقتصادی سالم باقی نمی‌ماند.

در حقیقت فساد به ابزار دست مقامات برای تحمیل هزینه به منافع خصوصی تبدیل می‌شود و بازدارنده روحیه کارآفرینی نیز هست. آخرین گزارش سازمان شفافیت بین‌الملل نشان می‌دهد که طی یک دهه گذشته، بیشتر کشورها در مبارزه با فساد ناکام بوده‌اند. این سازمان برای تشخیص فساد از ۱۳ منبع مستقل استفاده کرده و امتیازهای صفر تا ۱۰۰ را برای نشان دادن سطوح فساد اختصاص داده است.

در این رده‌بندی، کشورهایمانند دانمارک، فنلاند و نیوزیلند در صدر قرار دارند، در حالی که کشورهایمانند سومالی، سوریه و سودان جنوبی در انتهای جدول قرار گرفته‌اند.

ایران با کسب ۲۵ امتیاز در میان ۱۸۰ کشور در رتبه ۱۴۷ و پایین‌تر از کشورهایمانند لیبیا، ماداگاسکار، موزامبیک و اوگاندا قرار گرفته است. بنا به گزارش مذکور، فساد می‌تواند تاثیرات جدی بر امنیت، ثبات اقتصادی و دموکراسی داشته باشد و اعتماد عمومی را نیز از بین ببرد.

ریشه‌های فساد مالی در ایران

فساد مالی در ایران یکی از مشکلات جدی و ریشه‌دار کشور است که پیامدهای منفی متعددی برای جامعه به همراه دارد؛ از جمله تضعیف حاکمیت قانون، کاهش کارایی اقتصادی، افزایش فقر و نابرابری، از بین رفتن اعتماد عمومی و ایجاد رنج و بی‌عدالتی. عوامل متعددی برای وجود فساد مالی در ایران وجود دارد ولی از مهم‌ترین آنها می‌توان به عدم شفافیت اطلاعاتی، نقض قوانین و مقررات، ضعف نظارت و وجود رانت و زمینه رانت‌جویی اشاره کرد. شایع‌ترین فساد مالی در ایران، فساد ارزی است که به معنای استفاده نامناسب یا غیرمجاز از ارز خارجی به منظور

کسب منافع شخصی است. این نوع فساد ممکن است شامل اختلاس ارزهای ملی یا معاملات نامتعارف ارزی با قیمت‌های مصنوعی باشد. عوامل زیادی هستند که می‌توانند باعث وقوع فساد ارزی در ایران شوند؛ اما مهم‌ترین آنها چند نرخی بودن ارز است که خود باعث ایجاد فرصت برای رانت‌جویان می‌شود. تا این رانت وجود دارد چرا بنگاه‌ها به دنبال تولید باشند؟ با توجه به سود بالای این رانت‌ها، طبیعی است که انتظار داشته باشیم بنگاه‌هایمان به جای تلاش برای افزایش تولید با سود حداقلی به دنبال فضایی برای فرار از تورم باشند. تورم در کشور بالاست و این تورم همیشگی این انگیزه را در افراد ایجاد می‌کند که به دنبال خرید ارز دولتی و فروش آن با قیمت آزاد باشند؛ این خود باعث تشکیل بازار سیاه ارز و نقض سیاست‌های ارزی دولت نیز می‌شود که می‌تواند محیط مناسبی برای انجام فساد ارزی فراهم کند. ضعف نظارت و کنترل اجرایی بر معاملات مالی و اقتصادی نیز می‌تواند بر این شرایط دامن بزند. عدم نظارت دقیق و مداوم بر عملکرد موسسات، سازمان‌ها و افراد مسئول، فرصت‌ها را برای انجام فسادهای مالی فراهم می‌کند. از طرفی بنگاه‌های اقتصادی که از عدم انتشار اطلاعات و عدم شفافیت در معاملات ارزی بهره می‌برند، می‌توانند در فساد ارزی شرکت کنند.

کمتر از یک سال از پرونده جنجالی چسای دیش می‌گذرد. سازمان بازرسی کل کشور به شکل رسمی در ۱۱ آذر ۱۴۰۲ اختلاس را تایید و اعلام کرد. به ادعای سازمان بازرسی کل کشور، گروه کشت و صنعت دیش طی سال‌های ۱۳۹۸ تا ۱۴۰۱ برای واردات چای و ماشین‌آلات مبلغی برابر با سه میلیارد و ۳۷۰ میلیون دلار ارز دریافت کرده که یک میلیارد و ۴۷۲ میلیون دلار از این مقدار ارز دولتی بوده است؛ اما بخش بزرگی از آن در جای دیگری هزینه شده است. متأسفانه فساد مالی در کشور ما محدود به همین یک بار نمی‌شود. مثال‌های زیادی را می‌توان به عنوان نمونه‌ای از این فسادهای که از دهه ۱۳۹۰ وسعت گرفتند، نام برد؛ مانند فساد نفتی از سوی بانک زنجانی به میزان ۱۸ هزار میلیارد تومان معادل ۶ میلیارد دلار، گم شدن دکل نفتی به میزان یک میلیارد تومان، فساد مالی در صندوق ذخیره کارکنان آموزش و پرورش و بانک سرمایه به میزان ۱۰ هزار میلیارد تومان، سوء استفاده از تخصیص ۴/۸ میلیارد دلار با نرخ ترجیحی ۴۲۰۰ تومانی برای واردات کالاهای اساسی و عدم واردات آن و سوء استفاده از تخصیص حدود یک میلیارد دلار با نرخ ترجیحی ۴۲۰۰ تومانی برای واردات نهاده‌های دامی و عدم واردات آن که مجموع این فسادهای ۲۰ میلیارد دلار می‌گذرد، رقمی که می‌توانست در راه توسعه کشور در پروژه‌های زیرساختی، گردشگری، حمل‌ونقل ریلی، توسعه صنایع پایین‌دستی پتروشیمی، خودروهای برقی، ساماندهی انرژی‌های نو و تجدیدپذیر سرمایه‌گذاری شود. اما ریشه این مشکل از کجاست؟ یکی از عوامل ترس است. ترس از اینکه اگر نرخ ارز بالا برود، افراد فشار بیشتری تحمل خواهند کرد. عامل مهم‌تر از آن، سیاست‌های اشتباه است. وقتی قیمت ارز بیش از اندازه پایین اعلام شود، رانت و بازار سیاه درست می‌شود. از آن طرف وقتی قیمت در بازار غیردولتی بالا می‌رود، بانک مرکزی یا دولت باید دنبال عاملی بگردند تا این اختلاف قیمت را بتوانند توضیح دهند؛ برای همین است که هر زمان نرخ ارز آزاد بالا می‌رود، دولت به دنبال فساد سیاسی می‌گردد. اما اگر دولت واقع‌بینانه تحلیل کند، می‌فهمد که عامل اصلی اقتصاد دستوری در بازار ارز است. به عنوان مثال یکی از اشتباهات بزرگ دولت در دهه گذشته سیاست ارز ۴۲۰۰ تومانی بود. از ابتدای سال ۱۳۹۷ همزمان با ایجاد انتظارات تورمی به دلیل خروج آمریکا از برجام و افزایش سرعت گردش پول، نرخ تورم به یک‌باره دچار جهش شد و این جهش، مشکلات سیاسی و ناهنجاری‌های اجتماعی در

سطح کشور را به همراه داشت. دولت‌مردان برای کنترل قیمت‌ها و آرام کردن بازارها، سیاست ارز ۴۲۰۰ تومانی را پیش گرفتند. ۲۰ فروردین ۱۳۹۷ معاون اول رئیس‌جمهور در تلویزیون اعلام کرد که ارز مورد نیاز همه بخش‌های کشور به اندازه کافی با قیمت ۴۲۰۰ تومان عرضه خواهد شد. هر قیمتی بالاتر از ۴۲۰۰ تومان برای دلار در بازار، مشمول قاچاق است و به شدت با آن برخورد می‌شود و مردم هیچ دغدغه‌ای برای نیازهای ارزی خود نداشته باشند. راهکار اختصار ارز ۴۲۰۰ تومانی نه‌تنها موجب ثبات و کنترل قیمت‌ها نشد بلکه به علت ایجاد رانت حاصل از آن موجب ورود نقدینگی سرگردان به بازار و ایجاد تقاضاهای کاذب و در نتیجه بالا رفتن چندین برابری قیمت‌ها شد. سیاست غلط ارز ۴۲۰۰ تومانی باعث گسترش فساد و رانت در کل زنجیره واردات (از واردات تا توزیع و فروش) شد. مصادیق فعلی این فسادهای شامل عدم واردات، قاچاق نهاده تولید یا کالای نهایی، احتکار کالا از سوی واردکننده یا فروشنده و گران‌فروشی کالاهای مختلف است. با وجود این رانت‌ها همچنان ارز ترجیحی می‌دهیم با این هدف که مردم با قیمت پایین‌گوشست و مرغ بخرند، غافل از اینکه همین اقلام ضروری با چند برابر قیمت ارز ترجیحی به دست مردم می‌رسد؛ منطقاً باید به این جمع‌بندی برسیم که ادامه این مسیر به صلاح کشور نیست اما دولت اقدام موثری انجام نداده است. به‌طور کلی، ارز ترجیحی با آنکه گفته می‌شود برای حمایت از اقشار کم‌درآمد و ضعیف است، نفع خاصی به طبقات آسیب‌پذیر و مصرف‌کننده نمی‌رساند و فقط گروهی دلال دولتی و غیردولتی از این سفره گسترده استفاده می‌کنند. باید دانست که چند نرخی بودن ارز منشأ فسادهای گسترده، انحراف منابع ارزی کشور، بهم‌ریختگی بازارها به دلیل دلالتی و گسترش قاچاق ارز خواهد بود و پیشنهاد می‌شود که ارز تک‌نرخی باشد و دولت روش‌های دیگری را برای حمایت از مردم و بنگاه‌ها در نوسانات ارزی پیش بگیرد.

عدم شفافیت در عملکرد موسسات دولتی و خصوصی یکی از عوامل اصلی تسهیل‌کننده فساد مالی است. عدم انتشار اطلاعات و دسترسی به اسناد و اطلاعات مرتبط با معاملات مالی می‌تواند باعث ایجاد فرصت‌هایی برای انجام فساد شود. زمانی که اطلاعات به‌طور شفاف در دسترس عموم نباشد، فرصتی برای سوء استفاده از قدرت از سوی افراد ذی‌نفع ایجاد می‌شود. مقامات دولتی با مدیران می‌توانند بدون نظارت و پاسخگویی، تصمیمات خودسرانه بگیرند، از منابع کشور به نفع خود استفاده کنند و معاملات پنهانی انجام دهند. علاوه بر این در نبود شفافیت، قوانین و مقررات به راحتی قابل دور زدن می‌شوند. افراد می‌توانند با استفاده از خلاهای قانونی از انجام تعهدات خود شانه خالی کنند و از طریق رشوه یا اعمال نفوذ به اهداف خود برسند.

فقدان شفافیت حتی زمینه را برای ایجاد رانت و انحصار برای افراد یا گروه‌های خاص فراهم می‌کند. زمانی که اطلاعات و فرصت‌ها به‌طور عادلانه در دسترس همه قرار نمی‌گیرند، عده‌ای خاص با استفاده از روابط و نفوذ خود از مزایا بهره‌مند می‌شوند، در حالی که عموم مردم از وجود چنین رانت‌هایی خبر هم ندارند. وقتی مردم به اطلاعات دسترسی نداشته باشند و از عملکرد نهادها و سازمان‌ها بی‌اطلاع باشند، اعتماد عمومی به مرور زمان از بین می‌رود و این بی‌اعتمادی می‌تواند موجب بی‌تفاوتی نسبت به مسائل اجتماعی، عدم مشارکت در فرآیندهای تصمیم‌گیری و حتی ناآرامی‌های اجتماعی شود که شرایط جامعه و حکومت را نیز به خطر می‌اندازد. علاوه بر اینها در سیستم‌های غیرشفاف، مقامات و مسئولان در قبال عملکرد خود پاسخگو نیستند. مردم نمی‌دانند که منابع عمومی چگونه هزینه می‌شود و در صورت بروز تخلف، نمی‌توانند پیگیر مجازات متخلفان باشند.



شهادت ۲ سرباز در حمله به صندوق‌های رای

در پی حمله اشراک به خودروی حامل صندوق‌های اخذ رای یکی شعب شهرستان چکیکو در جنوب سیستان و بلوچستان دو نفر شهید شدند. لطفعلی پاکباز در گفت‌وگو با خبرنگار مهر با اشاره به حادثه حمله اشراک به صندوق‌های رای در استان سیستان و بلوچستان اظهار کرد: گروهیان یکم مرزبانی «ابراهیم مرمری» بامداد امروز شنبه در پی حمله اشراک مسلح به خودروی حامل صندوق اخذ رای در منطقه چکیکو این استان به شهادت رسیدند. فرمانده مرزبانی خوزستان افزود: شهید مرمری خوزستانی و اهل سوسنگرد و روستای مالکبه ۲ است. این شهید متولد سال ۱۳۷۸ است که پیکر مطهرش به زودی به استان خوزستان منتقل می‌شود. وی عنوان کرد: برنامه‌های یادبود، تشییع و خاکسپاری این شهید به زودی اعلام می‌شود. براساس بررسی صورت گرفته، افراد مسلح ناجوانمردانه در راستای ربودن صندوق آرای منطقه چکیکو به خودروی عوامل اجرایی و انتظامی صندوق اخذ رای از چند جهت تیراندازی کردند که با رشادت ماموران انتظامی محافظ، صندوق آرای مردم حفاظت، ولی تعداد پنج نفر از عوامل اجرایی و انتظامی مجروح و به مرکز درمانی منتقل شدند که متأسفانه ۲ نفر به نام سرباز وظیفه انتظامی «فرهاد جلیل» و گروهیان یکم مرزبانی «ابراهیم مرمری» به شهادت رسیدند.



۱۴ روز زیر آوار

با گذشت بیش از ۱۴ روز از ریزش معدن سازند؛ تنها بوی پیکر یکی از کارگران استشمام می‌شود



گروه اجتماعی: دو کارگر معدن شن و ماسه سازند، دو کارگر متاهل و صاحب فرزند، از ۲۷ خرداد ماه در زیر آوارهای سنگین محبوس مانده‌اند و هنوز بعد از گذشت ۱۴ روز با امکانات موجود قادر به بیرون آوردن پیکرهای آنها نشده‌اند. دو خانواده بی‌قرار و مستاصل در حوالی منطقه آوار سرگردان مانده‌اند؛ پیکر بی‌جان دو کارگر دیگر همان شب حادثه به بیرون منتقل شد؛ چهار کارگر در یک معدن کوچک در محدوده سازند، به دلیلی که هنوز و همچنان مشخص نیست و مثل همیشه در دست بررسی است، جان خود را از دست دادند. به اضافه اینکه اگر در معدن شن و ماسه سازند شرایط اصول ایمنی مهیا بود این حادثه اتفاق نمی‌افتاد.

لطف‌الله پرنیدن، فرماندار سازند دیروز گفته که بوی پیکر یکی از کارگران محبوس شده در زیر آوار معدن این شهرستان در محل نقطه‌زن شده، استشمام می‌شود. به گفته او: حفر گودال منجر به شناسایی بیل مکانیکی در زیر آوار شد که به علت احتمال خطر، این گودال مجدد پُر شد. برای پیدا کردن پیکر ۲ کارگر تاکنون پنج تا ۶ هزار تن سنگ و آوار جابه‌جا شده است و تلاش‌ها برای شناسایی همچنان ادامه دارد. پرنیدن تأکید کرده که پس از بیرون کشیدن پیکر این کارگر عملیات نقطه‌زنی برای جست‌وجوی پیکر دومین کارگر معدن انجام می‌شود. آیت رضایی و مجتبی نجفی، دو کارگر دیگر هستند که همچنان زیر آوار حبس شده‌اند. هیچ کدام از کارگران تحت پوشش بیمه نبودند و معوقات مزدی و عیدی داشتند.

براساس گزارش سازمان پزشکی قانونی، در سال ۱۴۰۲ دست‌کم دو هزار و ۱۱۵ کارگر در اثر حوادث ناشی از کار جانشان را از دست دادند و ۲۷ هزار نفر نیز مصدوم شدند. این رقم در مقایسه با زمان مشابه سال قبل از آن، بیش از ۱۵ درصد افزایش نشان می‌داد.

همزمان مرکز آمار در گزارشی اعلام کرده است که با بررسی تعداد وقوع حادثه در معدن دارای حادثه در سال ۱۴۰۰، ملاحظه می‌شود که معدن استخراج سنگ آهن، زغال‌سنگ و شن و ماسه به ترتیب با ۳۹۰، ۳۶۸، ۱۸۷ حادثه بیشترین تعداد وقوع حادثه را به خود اختصاص داده‌اند. از ابتدای فروردین‌ماه امسال تا ۲۶ خردادماه و تا پیش از وقوع حادثه در معدن سنگ سازند، در مجموع هفت حادثه در معدن کشور رخ داده که پنج حادثه در معدن زغال‌سنگ استان‌های خراسان جنوبی و کرمان، یک حادثه در معدن شن و ماسه استان مرکزی و یک حادثه در معدن سنگ گیلان بوده است. در حوادث معدن امسال هشت کارگر معدن کشته شده‌اند. پنج کارگر به دلیل ریزش معدن، یک کارگر به دلیل برق‌گرفتگی، یک کارگر به دلیل گیر افتادن در نوار نقاله معدن و یک کارگر هم به علت واژگونی لوادر در هنگام خاک و لاشه‌برداری جان خود را از دست داده‌اند. این

بررسی‌ها نشان می‌دهد تعداد حوادث منجر به فوت کارگران معدن در ۸۷ روز آغازین امسال در مقایسه با مدت مشابه پارسال، یعنی اول فروردین‌ماه تا ۲۶ خردادماه ۱۴۰۲، افزایش پیدا کرده است.

عصر روز ۱۲ شهریورماه ۱۴۰۲، ۶ کارگر معدن‌کار در تونل رزمجاده معدن البرز شرقی طرزه دامغان به دلیل جمع شدن گاز، در حین کار جان‌شان را از دست دادند. پیکر این ۶ کارگر، ۹ ساعت پس از حادثه از زیر آوار بیرون کشیده شد. با وجود اینکه شکل کار و استخراج در معدن ذغال‌سنگ و معدن شن و ماسه متفاوت است اما کلیدواژه هر دو حادثه‌های که تجربه روایت میدانی‌شان را داشتیم، ایمنی کار بود. شاید در وهله اول وقتی نام ایمنی کار می‌آید، در اذهان کلاه ایمنی یا لباس تلقی شود. البته که بخشی از ایمنی کار می‌تواند با این لوازم تامین شود. اما در معدن آنچه که ایمنی کار معنا می‌شود، فعالیت ایمن در محیط آن معدن است، یعنی یک کارگر معدن تا چه اندازه امنیت جانی دارد؟ در صورت بروز حادثه، چند درصد از حادثه اعمال کاری مهندس ایمنی است و تا چند درصد بروز حادثه در معدن طبیعی است؟

یکی از شرایط ایمن بودن معدن و امنیت جانی کارگران، وجود امکانات کافی برای فعالیت در معدن است. تجربه معدن طرزه، گفت‌وگو با کارگران معدن طرزه و البته تجربه اخیر معدن شن و ماسه سازند نشان داد که حوادث در معدن کشور سلسله علل دارند. ازجمله علت‌های اصلی بروز حادثه در اغلب معادن ایران، نبود تجهیزات ایمن و مناسب است. اکثر تجهیزات به کار گرفته شده در معدن کشور از رده خارج شده‌اند و نهادهای مسئول (دولتی و خصوصی) ظاهراً تنها به فکر بهروزی از معدن هستند و تجهیزات اعم از ماشین‌آلات و تجهیزات فنی، دهه‌هاست که به‌روزرسانی نشده‌اند. معدن‌کاران قدیمی می‌گویند: «معدن مرد است. از رفتار و خلق و خویش می‌توان تصمیمات و رفتارهای بعدی‌اش را مشخص کرد». انگار قصه در اکثر معادن همین است. معدن مرد است و اکثر حوادث هم قابل پیش‌بینی. اما همین مسأله و عدم تامین تجهیزات لازم برای کارگران، باعث می‌شود که خلق و خوی معدن و حوادث معدن در کشورمان غیرقابل پیش‌بینی باشد و در حوادث معدن هم معمولاً کشته بدهیم.

◀ مرگ بر اثر گرما

گفته می‌شود یکی دیگر از دلایل مهم مرگ کارگران طی روزهای تابستان گرمای طاقت‌فرساست. اکبر شوکت، رئیس کانون انجمن‌های صنفی کارگران ساختمانی ایران، روز ۳۱ خرداد در گفت‌وگو با خبرنگاری ایلنا از بی‌توجهی مسئولان به وضعیت کارگران انتقاد کرد

و گفت که گرمای بی‌سابقه علاوه بر افزایش آمار مرگ‌ومیر کارگران، آمار حوادثی مانند قطع عضو و قطع نخاع را نیز بالا برده است. او نیز وضعیت کارگران بخش‌های نفت و پتروشیمی در جنوب ایران را یادآور شد و گفت: «در بسیاری از موارد کارفرمایان پروژه‌ها حتی از تامین آب آشامیدنی سالم و خنک برای کارگران هم امتناع می‌کنند».

تجهیز کارگاه‌ها به وسایل سرمایشی مناسب در محیط‌های بسته، استفاده از لباس مناسب و تغییر ساعت‌های کار در محیط‌های باز تا حدودی می‌تواند مانع از گرم‌زدگی کارگران شوند اما به قول حسن مهدوی، کارشناس ایمنی و بهداشت حرفه‌ای، در بسیاری موارد، پیمانکاران سود خود را بر سلامتی کارگران ترجیح می‌دهند و قوانین ایمن‌سازی محیط کار را رعایت نمی‌کنند.

علی ندافی، دیگر فعال کارگری در گفت‌وگو با سایت تجارت‌نیوز تأکید کرد که خطر مرگ‌ومیر کارگران در اثر گرما به مناطق جنوبی محدود نیست و «تابستان گرم و آزاردهنده» جان کارگران ساختمانی در دیگر نقاط را نیز به خطر انداخته است.

او ضمن هشدار درباره وضعیت کارگران در جنوب کشور گفت که نظارت دقیقی وجود ندارد و پیمانکاران نیز به مواد قانونی بی‌اعتنایی می‌کنند. او در ادامه افزود: «بی‌توجهی به وضعیت کارگاه‌هایی که در مناطق گرمسیر واقع‌اند و گرمای هوا آنجا گاه به بیش از ۵۰ درجه و رطوبت به بیش از ۷۰ درصد می‌رسد، باعث شده است ما هر سال با تعداد قابل‌توجهی از کارگران مواجه باشیم که بر اثر شدت گرما کارشان به بیمارستان می‌کشد و در مواردی هم جان‌شان را از دست می‌دهند».

داده‌های پژوهشی سازمان بهداشت جهانی نشان می‌دهد که عملکرد کارگران در دمای بالای ۳۵ درجه سانتی‌گراد کاهش پیدا می‌کند. چنانچه درجه حرارت به بالای ۳۹ درجه سانتی‌گراد برسد، این احتمال وجود دارد که کارگران با احساس خستگی مفرط بی‌حال شوند یا حتی فوت کنند. این وضعیت که از آن به‌عنوان «استرس گرمایی» یا «افشار گرما» نام برده می‌شود، بسیاری از کشورهای جهان را بر آن داشته است تا با وضع قوانینی در حمایت از کارگران، مانع ادامه فعالیت کارگاه‌ها در دمای بالای ۳۵ درجه شوند.

در ایران طبق بخشنامه مصوب هشتم اسفند ۱۳۷۸ سازمان امور اداری و استخدامی، چنانچه کارگری در محیطی نامتعارف کار کند، باید یک‌دوم ساعت کاری به کار گرفته شود. در این بخشنامه، گرما و سرمای شدید از معیارهای تشخیص محیط کاری نامتعارف محسوب شده‌اند. همچنین طبق با آیین‌نامه هیات وزیران در سال ۱۳۶۶، شرایط کاری در زمان‌های غیر متعارف در مناطق بد آب‌وهوا باید چرخشی باشد.

ایران‌شهر

حواشی برگزاری یک کنسرت

با صدایی کم‌تر از ۱۲۰ دسیبل و با فاصله حداقل ۲۰۰ متر برگزار شود

بناسبت نهم تیرماه علی‌رضا قربانی در تخت‌جمشید کنسرت برگزار کند. اولین بار است که یک کنسرت در تخت‌جمشید برگزار می‌شود. پیش از آن در جشن‌های ۲۵۰۰ ساله در تخت‌جمشید موسیقی اجرا شده بود. بعضی فعالان میراث فرهنگی نگران آسیب به بنا هستند. آنها می‌گویند، لرزه‌های مداوم با امواج ریز ممکن است به بنا آسیب بزند، با این حال اما گفته شد که کنسرت در فاصله ۵۰ متری از بیرون تختگاه برگزار می‌شود. اما پروفیسور عادل بینال در ترکیه معتقد است که برگزاری کنسرت بر روی هر بنای تاریخی اثر متفاوتی دارد و در نتیجه احتیاط حکم می‌کند که این کنسرت با فاصله ۲۰۰ متری از بنا اجرا شود.

او گفته که پس از ۱۲۰ دسیبل (dB)، بسته به نزدیکی به منبع صدا، ریزترک روی سطوح سنگ یا در صورت وجود ریزترک از قبل، پیشروی‌هایی مشاهده می‌شود.

او ادامه می‌دهد: در ۱۶۰ دسیبل (dB)، میزان آسیب بسیار بالاتر است. به‌عنوان یک اقدام احتیاطی نباید در بنای تاریخی کنسرتی برگزار شود. با قرار دادن منابع صوتی حداقل ۲۰۰ متر دورتر از بنا و اینکه رویه‌روی بنا نباشد می‌توان آن را تنظیم کرد. با این حال، ممکن است هنوز براساس فنداسیون سازه به دلیل حرکات بینندگان ارتعاشاتی رخ دهد. هم‌زمان تارمیع، دیگر باستان‌شناس نیز توضیح داده که اگر در خود بنا میکروتورک‌هایی وجود داشته باشد، باید تاثیرات صدا و دسیبل و فاصله مورد نیاز بررسی شود. او درخصوص اینکه آیا تحقیقاتی بر روی تاثیرات صدا و ارتعاشات بر روی اثر تاریخی بسته به نوع مصالح آن در ایران انجام شده است؟ می‌گوید: من شخصاً ندیده‌ام. اما در ترکیه پروژه‌ای داشتیم برای مقاوم‌سازی اثر تاریخی در برابر زلزله که یک بخش پروژه هم درباره مقاوم‌سازی در برابر اصوات و ارتعاشات بود و از «بالتشک صدا» برای برگزاری کنسرت به صورت موقت تا پایان کنسرت استفاده شد. این بالتشک‌ها را در فاصله بین محل برگزاری تا اثر نصب می‌کنند.

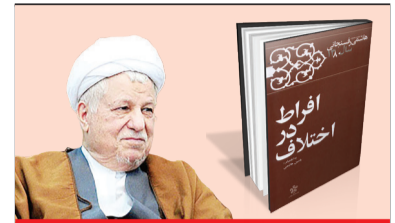
تارمیع با اشاره به اینکه برخی برگزاری کنسرت در آکروپولیس و... را نمونه موفق برگزاری کنسرت در بناهای تاریخی می‌دانند، تشریح می‌کند: هر بنای تاریخی بیماری خاص خودش و روش علاج و داروی خاص خودش را دارد. ممکن است مصالح به کار رفته در ساخت بنا از یک جنس باشد مثلاً سنگ اما بسته به اتفاقاتی که در گذر زمان برای یک اثر تاریخی رخ می‌دهد، بنای تاریخی حالش خوب یا بد است و براساس بیماری که دارد داروی برایش تجویز می‌شود. او با بیان اینکه ایتالیا و یونان تحقیقات زیادی روی این موضوع داشته‌اند، تأکید می‌کند: حتی روزنامه گاردین سال ۲۰۱۴ یک مطلبی درباره برگزاری کنسرت‌های راک در سایت‌های باستانی و تاریخی منتشر کرد و در آن توضیح داد حتی نوع کنسرت، نوع‌سازی که باید نواخته شود و تعداد تماشاچیان را تعیین می‌کنند. بنابراین نمی‌توان گفت چون فلان‌جا کنسرت برگزار شده ما هم می‌توانیم این کار را انجام دهیم یا نه. مراقبتی که از یک بنا در طول سال‌ها می‌شود بسیار متفاوت است. او ادامه می‌دهد: همان‌طور که پروفیسور بینال هم توضیح داده‌اند اگر در خود بنا میکروتورک‌هایی وجود داشته باشند، باید تاثیرات صدا و دسیبل و فاصله مورد نیاز بررسی شود. میکروتورک‌ها با استفاده از دستگاه‌های خاصی که اسکنر هستند، رصد و پایش می‌شوند. این دستگاه‌ها در طول سال کل محوطه را اسکن و پایش دیجیتال می‌کنند و حتی برخی از دستگاه‌های بسیار دقیق عمق ترک‌ها را نیز مشخص می‌کنند. سپس براساس این داده‌ها و عمق ترک‌ها، محدودیت‌های لازم اعمال می‌شود. همچنین در سایت‌های باستانی و تاریخی، از دستگاه‌های دسیبل‌سنج استفاده می‌شود تا سطح صدا تحت کنترل باشد و از آسیب به بنا جلوگیری شود. به‌عنوان مثال، یک کنسرت با دسیبل بیش از ۸۰ و مدت‌زمان معین ممکن است مجاز نباشد. آیا ما چنین سنسجش و دقت نظری را درخصوص برگزاری کنسرت در تخت‌جمشید اعمال می‌کنیم؟! او در پاسخ به این پرسش که آیا ارتعاشات صدا با توجه به موضوع داغ‌فروشنست در تخت‌جمشید تاثیری در تعمیق فرونشست و خلل و فرج خاک دارد؟ توضیح داد که فرونشست بیشتر به اندرکنش سیستم خاک مربوط می‌شود. نویز و صدا می‌توانند از طریق هوا، مواد جامد و مایع منتقل شوند. با این حال، خود نویز و ارتعاشات ناشی از آن به طور مستقیم تاثیری در فرونشست ندارند. اما رفت‌وآمد بازدیدکنندگان و ارتعاشات ناشی از حرکات آنها می‌تواند بر سیستم خاک تأثیر بگذارد و به فرونشست کمک کند. اگر یک کنسرت راک در تخت‌جمشید برگزار شود که همراه با هیجانان و حرکات زیاد تماشاچیان باشد، می‌تواند تأثیر زیادی بر خاک بگذارد. اما برگزاری یک کنسرت سنتی از نوع کنسرت قربانی که همه نشسته به کنسرت گوش می‌دهند، تاثیری بر خاک و به تبع آن گسترش فرونشست ندارد.

سازندگی: روزنامه سیاسی و اجتماعی • صاحب امتیاز: حزب کارگزاران سازندگی ایران • مدیرمسئول: سیدفاضل موسوی • سردبیر: اکبر منتجبی

زیر نظر شورای سیاستگذاری: سیدحسین مرعشی (رئیس)، محمد عطر یانفر، محمد قوچانی، علی هاشمی، سیدعلیرضا سیاسی‌راد، امیر اقلتانی

مدیر هنری: رضا دولت‌زاده • عکس: رضا معطریان • ویراستار: سعیده آری‌نفر • حروف چینی: مجتبی دیدگر • شانی: تهران، پاسداران، نگارستان پنجم، پلاک ۸، تلفن: ۲۲۸۴۱۲۶۲ • چاپ: امید نشر ایرانیان: ۹-۸۸۵۳۷۶۸ • توزیع: نشر گستر امروز: ۶۱۹۳۳۰۰۰

کارنامه: خاطرات هاشمی ۱۳۸۰



افراط در اختلاف ۳۲

یکشنبه ۹ اردیبهشت

پیشنهادهایی برای حل مشکلات اقتصادی

آقایان [مسعود روغنی] زنجانی، [رئیس سابق سازمان برنامه و بودجه] و دکتر [محمد] طبیبیان، [اقتصاددان] آمدند؛ با ذکر چندین مورد از مشکلات اقتصادی، پیشنهادهایی برای حل مشکلات داشتند. از ضعف مدیریت دولت و عدم اعتماد سرمایه‌گذاران و کمی نقدینگی صنعتگران به عنوان نمونه‌ای از مشکلات یاد کردند. آقای زنجانی از فشار بازرسی‌ها روی مراکز و مدیران انتقاد داشت. به عنوان نمونه از چندین بازرسی از دفتر رهبری و بازرسی ویژه رئیس جمهور و سازمان بازرسی کل کشور در مورد حق الزحمه‌ای که شرکت مس زنجان به او داده، یاد کرد.

آقای [مرتضی] فهیم کرمانی، [نماینده و حاکم شرع اسبق کرمان] آمد. از وضعیت و کارش احوال‌پرسی کرد. او هم مطالبی در خصوص اشکالات مدیریت مدرسه کرمانی‌ها گفت.

آقای [یوگنی] بریماکف، نخست‌وزیر سابق روسیه و رهبر حزب میهن با جمعی از نمایندگان مجلس دوما آمدند. درباره ضرورت همکاری بیشتر ایران در مسائل خزر و افغانستان و ... مذاکره شد. گفت، مردم روسیه شما را بنیانگذار روابط ایران و روسیه می‌دانند و مشکلات اقتصادی روسیه با بهبود قیمت نفت رو به بهبود است ولی مساله چین، زخم کهنه و ماندگاری شده و خطر افغانستان با وجود طالبان و [آسامه] بن‌لادن، [رهبر القاعده] زیاد است و وهابی‌های افراطی برای منطقه و در آسیای میانه و قفقاز و کوزوو خطرند. دعوت کرد که به روسیه سفر کنم. ظهر محسن، [مدیرعامل دفتر نشر معارف انقلاب] آمد و پیشنهاد تاسیس دانشکده قرآن [رئیس جمهور] فرسنگان را داشت که پذیرفتم. گفت، در روز جمعه گذشته، تعداد بازدیدکنندگان از موزه به ۲۴۰۰ نفر رسیده بود.

عصر، آقای [سعید] خالدالحسن، [دبیرکل اتحادیه‌های اسلامی جهانی] کار آمد. درباره مسائل کارگری جهان گزارشی داد و گفت، درصدد برگزاری کنفرانس جهانی برای دفاع از حقوق فلسطینی‌هاست و مشورت کرد. فرزند مفتی مرحوم مراکش است.

ستاد برگزاری مراسم سالگرد شهید [مرتضی] مطهری آمدند. آقای [محمود] محمدی‌عراقی، [رئیس سازمان تبلیغات اسلامی] گزارش داد و خواست که برای تبیین معارف اسلامی برای نسل جوان، وقت بگذارم و جای خالی شهید مطهری را پر کنم. صحبت کوتاهی برای آنها کردم.

درگیری‌ها در فلسطین ادامه دارد. در فیلیپین به خاطر بازداشت [جوزف استرادا]، رئیس‌جمهور معزول، شورش و درگیری پیش آمده است.

دوشنبه ۱۰ اردیبهشت

مشورت زواری برای نامزدی در انتخابات

آقای [سیدرضا] زواره‌ای، [عضو حقوقدان شورای نگهبان] آمد. برای نامزد شدن در انتخابات ریاست‌جمهوری مشورت کرد. گفتم با توجه به اجبار استعفا از شورای نگهبان، لازم است با اعضای شورا مشورت کند. فکر می‌کند، در میزگرد [مناظره] تلویزیونی با نامزادان دیگر می‌تواند نظر مردم را به برنامه‌هایش جلب کند. محمدتقی، مباحث کارهایمان در بهرمان آمد. مریض است و عازم سفر کربلاست.

اصلاح‌طلبان

اولین قدم پیروزی

تحلیل تقی آزادرمکی، استاد جامعه‌شناسی دانشگاه تهران از دور اول انتخابات

توجه با آدم‌های معمولی، ناشناخته و غیر مطرح اصولگرایان رادیکال رقابت می‌کند و شکست می‌خورد. این دفعه هم به او کله زدند و گفتند تو رئیس جمهور هستی.

اتحاد اصلاح‌طلبان و اصولگرایان میانه‌رو چقدر می‌تواند در دور دوم انتخابات به آقای پزشکیان کمک کند؟

رای زیادی نمی‌تواند بدهد؛ ولی می‌تواند جامعه را حساس کند. یعنی می‌تواند جامعه را متوجه یک خطر کند؛ خطری که همه نیروهای مدافع اصلاح‌طلبی حداقل نیروهای روشن‌فکرش از آن یاد می‌کنند و آن زنده شدن مجدد بنیادگرایی در ایران است. فقط می‌تواند این را حساس کند؛ یعنی می‌تواند زمینه‌ای باشد برای اینکه حساسیت جامعه ایجاد شود و رای خاموش را به آقای پزشکیان بدهد. چون اصولگرایان عموماً تابع فرمان هستند و تشکیلاتی و سازمان‌یافته رای می‌دهند. یعنی به نظر من آنها همچنان به آقای جلیلی رای خواهند داد و ممکن است رای جلیلی بیشتر شود. یعنی بخشی از رای آقای قالیباف به آقای جلیلی منتقل خواهد شد؛ یا حتی ممکن است همه رای آقای قالیباف به آقای جلیلی منتقل شود.

اگر این طور باشد، پیروزی آقای جلیلی محتمل‌تر از آقای پزشکیان است. درست متوجه شده‌ام؟

یک چیز دیگر هم وجود دارد. بخشی از جامعه که شرکت نکرد، این دفعه شرکت کرده و ترمیم می‌کند. به خاطر اینکه باورش نمی‌شد و فکر می‌کرد، انتخابات یک چیز فرمال و رسمی است و کاندیدای خودشان را خواهند آورد. آنها متوجه شدند که می‌شود اصلاح‌طلبی را حمایت کرد و عامل، مانع و مقاومتی در نظام سیاسی مقابل اصولگرایی پیدا شود. من دارم به آن فکر می‌کنم و خیلی اعتقاد ندارم که رای آقای قالیباف به آقای پزشکیان منتقل شود. ولی رای نسبتاً یک درصدی که من می‌شناختم و با آنها صحبت می‌کردم و می‌گفتند ما رای بدهیم یا ندهیم رئیس‌جمهور معلوم است برای آقای پزشکیان فعال خواهد شد.

به نظر می‌رسد آقای پورمحمدی در مناظرات حرف‌های رادیکال‌تر و مردم‌پسندتر می‌زند و باعث شده بود که برخی افراد احساس کنند رای پورمحمدی بالا می‌رود. ولی امروز اعلام شد که حدود ۲۰۰ هزار رای آورده است. نظر شما در این خصوص چیست؟

آقای پورمحمدی بیشتر برای خودش مشروعیت می‌ساخت و زمینه‌ای برای بعدها بود. یعنی جامعه گفت او دارد توبه می‌کند. به نظر من رای پورمحمدی همین است و تحت هیچ شرایطی به آقای پزشکیان منتقل نمی‌شود.

در این یک هفته چه کاری باید انجام بدهیم که مردم به مشارکت بیشتر تشویق شوند؟

باید جامعه مجاب شود و رای خاموش را به سمت دغدغه تغییر برد. یعنی از کسانی که با ملاحظات سیاسی در انتخابات شرکت نکرده‌اند، مثل اینکه رای شما به جمهوری اسلامی است را دعوت کرد. اینکه مشارکت تکان نخورد برای اینکه همه گفتند رای به هر کسی، حتی آقای پزشکیان، رای به جمهوری اسلامی است و ما از وضع موجود ناراحت هستیم. به نظر من این چیزی است که الان جامعه باید روی آن کار کند و رای به آقای پزشکیان، رای به تغییر روش‌ها و شیوه‌هاست. اگر این گام بلند شود، رای خواهد آورد؛ وگرنه ممکن است باز دچار چالش‌های عمده و اساسی شود.



دیدگاه: یادداشت روز

تبریک و هشدار

ارزیابی اولیه انتخابات



محمدرضا جلیانی‌پور تحلیلگر

تبریک و دست مرزاد به یکایک رای‌دهندگان که مسعود پزشکیان را در میدان پرسنگلاخ این انتخابات به عنوان نامزد پیشتاز به مرحله دوم انتخابات بردند (با چهار برابر رای به نسبت ۱۴۰۰) و مانع ریاست‌جمهوری سعید جلیلی در مرحله اول شدند. کمتر از دو میلیون رای بیشتر می‌توانست مسعود پزشکیان را در همین مرحله رئیس‌جمهور کند. مشارکت پایین ۴۰ درصدی بسیار هشداردهنده است (هم به حکمرانان و هم به نیروهای سیاسی). شدت ناراضی‌ها هم بر ضرورت گشایش‌گری عملی افزوده است. مسعود پزشکیان ولی بیش از رقبا می‌تواند، صدای ناراضیانی که شرکت نکردند را بشنود و ائتلاف‌سازی کند. دولت ملی فراگیرتری که شعار و هدفش «ایران برای همه» است امروز ضروری‌تر شده است. حتی اصولگرایانی که رای ۱۴۰۳ تبدیل شده است هم باید متوجه ضرورت تشکیل چنین دولتی شوند. در مرحله اول انتخابات، صداقت و سلامت و عدالت‌خواهی و زبان عامه فهم و رویکرد توافق‌ساز مسعود پزشکیان، او را به نامزد اول تبدیل کرد. اکنون ستاد او باید ضمن حفظ همین ۱۰ میلیون رای مرحله اول به مسعود پزشکیان برای افزایش رای‌اش (هم از میان رای‌دهندگان متکثر مرحله اول و هم از میان رای‌دهندگان متکثر مرحله اول) چند هدف فوری را در دستور قرار دهد: تحلیل دقیق نتایج مرحله اول، ترسیم افق دست‌یافتنی‌گیرتر برای رای‌دهندگان، بازاریابی و انسجام بیشتر ستادی و گفت‌وگویی، مناظره‌های قوی‌تر، تمرکز بر جوانان و زنان و معرفی برنامه‌های قوی‌تر و تیم قوی‌تر. امیدوارم در هفته پیش‌رو بخش بزرگ‌تری از دغدغه‌مندان ایران و محیط زیست و عدالت و مردمسالاری و آزادی و تعداد بیشتری از شخصیت‌های مرجع گروه‌های مختلف برای کمک به پزشکیان و پیشگیری از ریاست‌جمهوری جلیلی، فعال شوند و در بسیج رای ماه بیشتری بگذارند. آبرو و سرمایه‌هایمان اگر امروز به کار ایران و پیشگیری از این خطر بزرگ و تمهید «گشایش در حد مقدور» و «عدالت در حسد ممکن» و زندگی بهتر ده‌ها میلیون هموطنمان نیاید، چه خیر بیشتری می‌تواند برساند؟ تنها یک هفته فرصت داریم برای گفت‌وگویی حضوری و تلفنی و آنلاین هر چه بیشتر با تعداد هر چه بیشتری از هموطنانمان. خطر ریاست‌جمهوری جلیلی برای اقتصاد و فرهنگ و سیاست داخلی و خارجی و خیر ریاست‌جمهوری پزشکیان برای ایران اینقدر بزرگ هست که بیازد این هفته وقت و آبرو و توان و سرمایه‌هایمان را صرف کمک به افزایش رای مسعود پزشکیان کنیم. پای ایران در میان است. تاریخ در آب است، امید ثمری هست.

آگهی مناقصه عمومی (یک مرحله‌ای)

شرکت توزیع نیروی برق استان یزد



شرکت توزیع نیروی برق استان یزد

شرکت توزیع نیروی برق استان یزد در نظر دارد اجرای پروژه مشروحه ذیل را از طریق برگزاری مناقصه عمومی یک مرحله‌ای به پیمانکار واجد شرایط واگذار نماید لذا متقاضیان شرکت در مناقصه می‌توانند از تاریخ ۱۴۰۳/۰۴/۱۴ لغایت ۱۴۰۳/۰۴/۱۴ از طریق سامانه ستاد ایران به آدرس www.setadiran.ir نسبت به دریافت اسناد مناقصه اقدام نمایند و پیشنهاد خود را با توجه به مندرجات دفترچه مناقصه ظرف مهلت مقرر در جدول زیر در سامانه ستاد ایران بارگذاری و ضمناً پاکت الف و ارزیابی کیفی مناقصه را به دبیرخانه این شرکت تحویل نمایند. ضمناً به پیشنهادهای تحویل داده شده بعد از انقضاء مدت و بارگذاری نشده در سامانه، ترتیب اثر داده نخواهد شد. کارفرما نسبت به رد یا قبول یک یا کلیه پیشنهادات مختار است.

ردیف	شماره مناقصه	شرح مناقصه	تضمین شرکت (در مناقصه ریال)	نوع ضمانتنامه	زمان تحویل پاکت‌ها	زمان بازگشایی پاکت‌ها
۱	۱۴۰۳/۱۱۲	انجام فعالیت‌های توسعه و احداث و اصلاح و بهینه سازی (پروژه های شهری) در حوزه عمل مدیریت امور برق دو یزد ۱۴۰۳	۱۲.۰۰۰.۰۰۰.۰۰۰	۱- ضمانت نامه بانکی ۲- فیش واریز وجه نقد ۳- مطالبات.	ساعت ۱۴ مورخ ۱۴۰۳/۰۴/۲۴	ساعت ۱۰:۳۰ مورخ ۱۴۰۳/۰۴/۲۴

۱- مدت اجرا: شش ماه

۲- هزینه درج آگهی مناقصه و کسورات قانونی به عهده برنده مناقصه میباشد.

۳- به پیشنهادات مشروط، مبهم، مخدوش و فاقد سپرده و پیشنهاداتی که بعد از موعده مقرر ارسال گردد ترتیب اثر داده نخواهد شد. داوطلبان می‌توانند جهت کسب اطلاعات بیشتر با شماره تلفن: ۰۳۵-۳۶۲۴۸۹۸۹ امور تدارکات و ۰۳۵-۳۶۲۴۳۱۱۱ امور مهندسی و نظارت تماس حاصل نمایند.

تاریخ انتشار نوبت اول: ۱۴۰۳/۰۴/۱۰

تاریخ انتشار نوبت دوم: ۱۴۰۳/۰۴/۱۱

شرکت توزیع نیروی برق استان یزد